

تحلیل مفهوم و مؤلفه‌های الگوی فرانسوی و انگلیسی سیاست جنایی ترکیبی و چگونگی کاربست آن در ایران

علیرضا جمشیدی

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی (تهران مرکزی)، تهران، ایران

✉ hrh_1364@yahoo.com

✉ حمیدرضا حیدرپور

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

چکیده: سؤال اصلی مورد بررسی در مقاله حاضر که با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین شده، آن است که سیاست جنایی ترکیبی، به چه معناست، مؤلفه‌های آن کدامند و به چه صورت می‌تواند در ایران عملیاتی شود؟ یافته‌های حاصل از این تحقیق، گویای آن هستند که سیاست جنایی ترکیبی، رویکرد جدیدی در سیاست‌گذاری جنایی پیشگیرانه از جرم و تخلف است و تلاش دارد از همه طرفیت‌های دولتی و جامعه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی برای تأمین و تضمین انتظام اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و تخلف بهره‌گیرد. در این تفکر جدید، ترکیب و برآیند همه استعدادهای انسانی، مادی و حتی معنوی برای پیشگیری از بزهکاری و مقابله با آن به کار گرفته می‌شود. رویکرد سیاست‌گذاری جنایی ترکیبی، چندنهادی و چندجانبه‌گرایانه است و سعی بر استفاده حداکثری از توان بخش‌ها و سازوکارهای غیررسمی و جامعه‌ای دارد. از برآیند هماهنگی نهادهای سیاست‌گذار، نهادهای تسهیل‌گر و نهادهای تنظیم‌گر و با اتخاذ رویکرد سیاست جنایی ترکیبی - مشارکتی و در یک الگوی پنج مرحله‌ای شامل شناخت مسئله، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی هدف‌محور، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی، می‌توان الگوی ایرانی سیاست جنایی ترکیبی را به اجرا گذاشت. نمونه بارز کشورهایی که الگوهای سیاست جنایی ترکیبی در آن‌ها به اجرا درآمده و تجربه موفقیت را نیز از خود بر جای گذاشته‌اند، فرانسه و انگلستان است. به نظر می‌رسد چنین الگوهایی، می‌توانند پس از بومی‌سازی، در ایران نیز عملیاتی شوند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی ترکیبی، سیاست جنایی توسعه‌مدار، افتراقی‌سازی، تحول انطباقی، سیاست جنایی

استناد: جمشیدی، علیرضا و حیدرپور، حمیدرضا. (۱۴۰۴). تحلیل مفهوم و مؤلفه‌های الگوی فرانسوی و انگلیسی سیاست جنایی ترکیبی و چگونگی کاربست آن در ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۰ (۱۱۱)، ۸۳-۱۱۷.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2025.1998684.0>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

سیاست جنایی را می‌توان گستره‌ای از تدابیر توسعه‌محور دانست که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، کنش‌ها یا واکنش‌های ماقبل‌پیشگیری، پیشگیرانه یا سزادهنده را از سوی پیکره اجتماع، در رویارویی با پدیده بزهکاری سامان‌دهی می‌کند (پیکا، ۱۳۸۹: ۲۲). به دیگر سخن، هنگامی که از تعریف سیاست جنایی - آن‌هم در معنای امروزی آن - سخن به میان می‌آوریم، باید به چند مقوله، توجه اساسی داشت:

نخست اینکه؛ «سیاست»ها در پهنه سیاست جنایی، آگاهانه هستند و با برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی و اهداف ویژه از سوی سیاست‌گذاران جنایی اتخاذ می‌شوند. دقت در معنای لغوی و اصطلاحی واژه سیاست، گویای همین ویژگی نیز هست؛

دوم آنکه؛ سیاست جنایی، گستره‌ای از تدابیر و اقدامات است زیرا با یک اقدام یا تدبیر نمی‌توان به فرایند مبارزه پسینی یا پیشینی با جرم و بزهکاری نائل آمد. در این زمینه، دقت باید کرد که اساساً واژه «تدبیر»، افاده تدبیر و تفکر و برنامه‌ریزی نظام‌مند و آگاهانه می‌کند؛

سوم اینکه؛ سیاست جنایی، دانش و یا فنی «توسعه‌محور» است. در واقع، باید معترف بود که امروزه نمی‌توان هیچ اقدام آگاهانه‌ای را - با فرض آگاهانه بودن سیاست جنایی - از سوی پیکره اجتماع اعم از دولت یا جامعه مدنی تصور نمود که در پی رشد، بالندگی، ارتقا و پیشرفت مادی و معنوی جامعه انسانی نباشد و بنابراین، هر اقدامی که حتی به صورت غیرمستقیم به کنترل پدیده مجرمانه بینجامد یا به مرحله ماقبل‌پیشگیری از جرم نیز مربوط باشد، بی‌گمان، اقدامی آگاهانه و در جهت توسعه اجتماع و کنترل پدیده بزه‌کارانه خواهد بود. بدیهی است که اقدامات پیشگیرانه اعم از کنشی و واکنشی و سزادهنده و تنبیهی نیز خود با هدف ارتقا و پیشرفت جامعه صورت می‌گیرد و در واقع، توسعه‌محوری و رشد‌نگری، خود در ذات سیاست جنایی نهفته است (نک: بابایی، ۱۳۹۸). چهارم آنکه؛ سیاست جنایی، تنها اقداماتی را که به طور مستقیم به پیشگیری یا سزادهی می‌انجامد، شامل نمی‌شود بلکه باید در این زمینه، نگاهی فراتر داشت و اینگونه گفت که هر اقدامی که به طور غیرمستقیم نیز در فرایند کنترل بزهکاری موثر باشد و به کنش‌ها و واکنش‌ها به پدیده مجرمانه سازمان می‌بخشد، جزئی از قلمرو سیاست جنایی است و نمی‌توان از قابلیت و ظرفیت آن، چشم پوشید (نک: روبر، ۱۳۹۲).

پنجم اینکه؛ سیاست جنایی به طور بدیهی و با توجه به آنچه یاد شد، گستره‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها را دربرمی‌گیرد و اکتفا به یک یا چند تدبیر و سیاست خاص، عملاً سیاست‌گذار یا مجری سیاست را از قابلیت‌های دیگر نهادها و یا تدبیرها داشته‌اند ولی مورد غفلت قرار گرفته‌اند، محروم می‌کند.

ششم آنکه؛ با توجه به مؤلفه‌هایی که از سیاست جنایی کارآمد سراغ داریم، باید به این واقعیت اعتراف نمود که نه فقط مرحله پیشگیری بلکه مرحله ماقبل پیشگیری نیز در حوزه و قلمرو مفهومی و مصداقی سیاست جنایی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، چنانچه یک اقدام دولتی یا یک تدبیر جامعوی در حوزه عمران شهری یا توسعه اقتصادی از جمله مبارزه با بیکاری و فقر و یا تأمین اشتغال، قابل تعریف و عملیاتی‌سازی باشد و بتواند ولو به صورت غیر مستقیم، به کنترل بزهکاری و مبارزه با جرم و انحراف بینجامد، باید قدر دانسته شده و جزئی از گستره سیاست جنایی به شمار آید. بر این اساس، گزارف نیست اگر ادعا شود که تمام اقدامات توسعه‌گرایانه دولتی یا جامعوی اعم از اقتصادی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، مذهبی که به نوعی بتواند هدف پیشگیری از جرم و تکرار جرم را عملی سازد، در قلمرو سیاست جنایی می‌گنجد.

رسالت غایی دانش سیاست جنایی به مثابه یکی از کاربردی‌ترین شاخه‌های حقوق کیفری و علوم جنایی در دوران معاصر، کنترل جرم و بزهکاری، تضمین امنیت بایسته و پایدار در تمام ابعاد و تأمین بسترهای لازم و کافی برای توسعه همه‌جانبه جوامع انسانی است. این اهداف متعالی و قابل توجه، طبعاً نباید در لابلاهای نوشتگان و در زوایای مخفی اذهان باقی بمانند بلکه باید به منصفه ظهور برسند. تا به حال، الگوهای متنوع و گوناگونی برای ارتقای سطح امنیت جامعه بشری و تأمین و تضمین فرایندها و رویه‌های کنترل جرم و بزهکاری پیشنهاد شده است که در تحقق اهدافی که مورد اشاره قرار گرفتند، بعضاً کامیاب و در بسیاری از موارد نیز ناکام بوده‌اند. جدیدترین تحولی که دانش سیاست جنایی نوین به خود دیده و همچنان جلوه‌های جدیدتری از آن را نیز تجربه می‌کند، سخن از «ترکیبی یا تلفیقی شدن»^۱ همه نهادها، ظرفیت‌ها، رویه‌ها و سازوکارهایی است که می‌تواند به نحوی برای کنترل پیشینی و پسینی جرم و بزهکاری به کار آید.

توجه به همین مؤلفه‌هاست که به تدریج، زمینه را برای بحث از «ترکیب و تلفیق» نهادها و ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و رویه‌ها و سازوکارهای مختلف و گوناگون برای پیشبرد و تحقق اهداف و رسالت‌های سیاست جنایی فراهم کرده است. مفروض کلی حاکم بر همه آنچه در باب سیاست جنایی ترکیبی (یا تلفیقی)^۲ - به عنوان نحله جدید فکری مطرح در سیاست جنایی نوین - گفته شده یا می‌شود، این است که راهی جز استفاده از همه ظرفیت‌های موجود یا قابل تعریف برای مبارزه با پدیده بزهکارانه وجود ندارد.

از یاد نباید برد که دانش سیاست جنایی، به ویژه در نیم قرن اخیر، تحولات مهمی را به خویش

1. Combination
2. Combinatory Penal Policy

دیده است. ترکیبی یا تلفیقی شدن سیاست جنایی، جدیدترین گرایش فکری است که می‌کوشد با ایجاد و نیز تقویت برهم‌کنش (تعامل) میان نهادها و ظرفیت‌ها و رویه‌ها و سازوکارهای مختلف که یا در بطن جامعه، وجود بالفعل دارند یا به نحوی قابل کشف و تعریف و شناسایی هستند و بالقوه، دارای کارکرد و قابلیت پیشگیرانه محسوب می‌شوند، در نهایت، هدف امنیت و توسعه توأمان در جامعه انسانی را عینیت بخشد.

در ادامه، به منظور شناخت عمیق‌تر از سیاست جنایی ترکیبی، ابتدا مفهوم و مؤلفه‌های آن و سپس، دو الگوی اجرای سیاست جنایی ترکیبی در فرانسه و انگلستان، بررسی می‌شوند. پس از آن، ارتباط سیاست جنایی ترکیبی و سیاست جنایی مشارکتی، تبیین و بر اساس مطالعه‌ای که در مورد رویکرد دو کشور فرانسه و انگلستان در اجرای راهبرد سیاست جنایی ترکیبی صورت می‌گیرد، مدلی پیشنهادی برای اجرای سیاست جنایی ترکیبی در ایران، ارائه می‌شود.

۱. مفهوم سیاست جنایی ترکیبی

سیاست جنایی ترکیبی، استفاده تلفیقی از انواع تدابیر ماهوی و شکلی داخلی و بین‌المللی (فراملی) در برابر جرم و تخلف را به ذهن متبادر می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۲۹۳). در برخی تألیفات موجود راجع به سیاست جنایی ترکیبی، به ویژه بر این نکته تأکید شده است که گرایش به این تفکر جدید، به سبب اعتقاد به لزوم هم‌گرایی همه عناصر موثر در پیشگیری غیرکیفری از وقوع جرائم و انحرافات رفتاری در وهله اول و مقابله کیفری با آن‌ها در مرحله بعد است (Barry, 2014: 122; Fielding & Fielding, 2013: 189). اگرچه جهت‌گیری کلی سیاست جنایی موضوعه یعنی سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی بر اساس رویکرد فلسفی - سیاسی دولت یعنی حاکمیت مستقر نسبت به آزادی، برابری و قدرت و نیز به انحراف و جرم و مجازات تعریف و مشخص می‌شود اما در این میان، اجرای سیاست جنایی در عمل، با قبض و بسط‌هایی همراه است که شرایط پویایی در مدل‌های سیاست جنایی را رقم می‌زند. در واقع، هم‌افزایی دولت و جامعه مدنی در تأمین امنیت جامعه، پیشگیری و عقب‌راندن موج بزهکاری، با درکی مشترک و معرفت‌شناسانه از پدیده‌های بزهکاری همراه است. سیاست جنایی ترکیبی، شامل انواع جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری در حوزه‌های مورد نظر و نیز بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های کنشی - واکنشی، ظرفیت‌های دولتی - جامعوی و ظرفیت‌های ملی - بین‌المللی در قبال جرائم و تخلفات، با هدف ارتقای هر چه بیشتر کارآمدی سیاست جنایی در تأمین امنیت در قلمرو مورد نظر است.^۱ سیاست جنایی ترکیبی، راهبردی

۱. استفاده از سازوکارها و سیاست‌های جامع و منسجم جهانی به منظور پیشگیری از جرایم خاص نسبت به برخی

نویسندگان در عرصه طرح‌ریزی و اجرای مدل‌های معین سیاست جنایی با اشکال مختلف کنترل پدیده مجرمانه است که متضمن تنوع و تکثر بزه‌انگاری‌ها، مجازات‌گذاری‌ها و دادرسی‌هاست؛ الگویی که سعی می‌کند از رهگذر عینیت‌بخشی همه ظرفیت‌ها و استعدادها را مقابل با جرم و تخلف، استفاده حداکثری داشته باشد (دارابی، ۱۴۰۱: ۹۶).

از یک سو، سیاست جنایی ترکیبی، رویکرد جدیدی در سیاست جنایی است که تلاش دارد از همه ظرفیت‌های دولتی و جامعه‌ی ملی و بین‌المللی برای کنترل اجتماعی جرم بهره‌گیرد. واقع، در این تفکر جدید، ترکیب و برآیند همه استعدادها، انسانی و مادی و حتی معنوی برای پیشگیری از بزهکاری و مقابله با آن به کار گرفته می‌شود (دارابی، ۱۴۰۴: ۱۸). سیاست جنایی ترکیبی، ترجمان جدیدی از آن نوع سیاست جنایی است که سعی دارد با رویکردی چندنهادی و چندجانبه‌گرایانه، به مقابله کیفری و غیرکیفری با بزهکاری مبادرت ورزد. پای‌بندی به رویکردهای چندبعدی به منظور سیاست‌گذاری جامع‌نگر برای پیشگیری از جرائم و مقابله با بزهکاری‌ها، از جمله اصلی‌ترین ویژگی‌هایی است که در برخی تألیفات به زبان غیرپارسی با محوریت سیاست جنایی ترکیبی نگاشته شده‌اند، مورد تأکید بوده است (دارابی، ۱۴۰۱: ۵۳-۷۴).^۱

از سوی دیگر، می‌توان سیاست جنایی ترکیبی را رویکردی مقابل عوام‌گرایی کیفری دانست و گفت بر خلاف سیاست جنایی عوام‌گرا که تدابیر و رویکردها عمدتاً سیاست‌زده و دولتی هستند،^۲ سیاست جنایی ترکیبی، هرچند اصولاً در دایره سیاست‌گذاری دولتی و حاکمیتی درباره حل معضل بزهکاری قرار می‌گیرد ولی هرگز خود را وام‌دار دولت نمی‌پندارد و بدین ترتیب، دولت و حاکمیت، در مسیر اجرای سیاست جنایی ترکیبی، نه به عنوان یک «حاکم» بلکه در قامت یک «متصدی یا هماهنگ‌کننده» ظاهر می‌شود. باید افزود که ماهیت و کیفیت پاسخ‌دهی به معضل جرم در سیاست جنایی ترکیبی، بر سازمان‌دهی و گسترش شبکه‌های غیرکیفری و تمرکز بر پاسخ‌های اداری - انتظامی و نه لزوماً کیفری به پدیده مجرمانه و مبتنی بر تعامل دولت و جامعه مدنی در همه ابعاد و جلوه‌های آن است. تأکید بر کاربست ظرفیت‌ها و تدابیر اداری و غیرکیفری در سیاست جنایی ترکیبی، البته به معنای نفی اقدامات و تدابیر کیفری نیست بلکه از تدابیر کیفری در جای خود نیز می‌توان بهره برد

اقتدار و طبقات خاص جامعه، بسیار مورد تأکید و توجه است. نمونه بارز این امر، پیشگیری از بزه‌دیدگی‌های جنسی کودکان در فضای مجازی است (احسان‌پور و قدمی عزیزآباد، ۱۴۰۳: ۱-۲۴)

۱. از جمله این تألیفات، می‌توان به این موارد اشاره کرد: (Gough & Pycroft, 2019; Manacorda, 2015)
 ۲. در مورد عوام‌گرایی کیفری، بنگرید به: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۵؛ سلحشور، ۱۳۹۴: ۸۹؛ فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۲: ۱۳۹۵؛ رجیبی، ۱۳۸۹: ۱۷۰؛ Slidregt & Vasiliev, 2014)

(Slidregt, 2018: 144).

در رویکرد سیاست جنایی ترکیبی، سامانه پاسخ‌دهی به پدیده‌های مجرمانه یا منحرفانه، مشتمل بر الگوها و تدابیر پیشگیرانه و نیز سرکوبگرانه‌ای است که منبعث از برآیند (برهم‌کنش) ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر کشور است (نک: رستمی، ۱۳۹۸؛ آزمایش و همکاران، ۱۳۹۶). به عقیده نظریه‌پردازان، برای پیشگیری از جرم، ما به همکاری همه نهادهای رسمی و جامعه‌ی نیاز داریم. به باور ایشان، در امر پاسخ‌دهی به جرم، دولت و جامعه مدنی، باید تقسیم کار کنند و جامعه مدنی، الزاماً باید بخشی از مسئولیت را به طور مستقل بر عهده داشته باشد و یا با دولت مشارکت نماید (سیاست جنایی مشارکتی).

در راستای اعمال واقعی سیاست جنایی ترکیبی، می‌توان یک «تحول انطباقی»^۱ را مورد مذاقه قرار داد. تحول انطباقی یعنی اینکه بسته به ماهیت و آثار و ابعاد پدیده مجرمانه و منحرفانه، نوع، سطح، میزان و کیفیت پاسخ‌گویی و نیز مرجع و نهاد پاسخگو می‌تواند متغیر باشد و بدین ترتیب، نهادهای کیفری و سازوکارهای سرکوبی و سزاگرا، هرگز الگوی منحصر پاسخ‌دهی به جرم و تخلف نیستند. از این رو، مداخلات انتظامی - اداری، ارزشی برابر و هم‌سنگ با مداخلات کیفری و دارای همان اثر بازدارندگی هستند. در راستای تبیین سیاست جنایی ترکیبی، می‌توان یک «هم‌افزایی متقارن»^۲ را مبنای اقدام قرار داد به این مفهوم که وقتی همه نهادها و تدابیر و ظرفیت‌ها برای مقابله با جرم و تخلف به کار رفت، توان هر بخش و هر تدبیر، به کمک بخش دیگر خواهد رفت و در نهایت، در یک سیستم تلفیقی، هدف نهایی مقابله با جرم، اجرایی می‌شود.

بر این پایه، سیاست جنایی ترکیبی، به معنای انتقال وظایف و تکالیف دستگاه قضایی به دیگر قوا نیست بلکه این نوع سیاست جنایی، رویکردی در راستای تأمین و تضمین امنیت پایدار و همه‌جانبه در جامعه بر اساس ترکیب هوشمندانه و هدفمند راهبردهای پیشگیرانه، ضمانت‌اجراهای اداری - انتظامی، تدابیر کیفری و آیین‌های متنوع و متکثر پاسخ‌دهی به جرم و تخلف است تا در نهایت، یک سیاست جنایی کارآمد، شکل گرفته و اجرا گردد. پس بر اساس شناختی که از سیاست جنایی ترکیبی حاصل شد، می‌توان سیاست جنایی کارآمد را تجهیز سیاست جنایی به بخش‌های مختلف اجتماعی و گسترش و توسعه فرایند پیشگیری و مقابله با جرم و تخلف، به تمام بخش‌ها و

1. Adaptive Transformation
2. Symmetric Synergy

تدابیر حتی آن‌ها که الزاماً کیفری و سزاگرا نیستند و ماهیتاً فقط اداری و انتظامی هستند، دانست.^۱ به نظر می‌رسد می‌توان کنش‌گران سیاست جنایی ترکیبی را به سهامداران یک شرکت سهامی تشبیه کرد که هر یک، سهم مخصوص و مربوط به خود را دارد و در ازای سهمی که از آن برخوردار است، به ایفای نقش می‌پردازد. بر این اساس، در مدل سیاست جنایی ترکیبی، الزاماً نیازی به تفویض اختیار و واگذاری مسئولیت از سوی دولت به بخش غیردولتی و جامعه‌ی نیست و چه بسا سطح جامعه‌ی، خود، عهده‌دار تمام مراحل و مقاطع پیشگیری از جرم و مقابله با انحرافات اجتماعی شود. بدین ترتیب، نقش و کارکرد دولت به حداقلی‌ترین سطح خود می‌رسد و خود اجتماع به عنوان بزه‌دیده بالقوه جرائم و انحرافات و در عین حال، به مثابه بهره‌مند اصلی از راهبردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای، کنشگر اصلی در سیاست جنایی ترکیبی می‌شود.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت از حیث مفهومی، سیاست جنایی ترکیبی، دلالت بر رویکردی می‌کند که بر اساس آن، روش‌ها و سازوکارهای پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری، هرگز به تدابیر دولتی (حاکمیتی) محدود و محصور نیست بلکه ویژگی بارز ترکیبی شدن سیاست جنایی، تکثرگرایی و تنوع‌خواهی در روش‌ها و مدل‌ها و الگوهای کنترل جرم است. این ویژگی، می‌طلبد که از تمام ظرفیت‌های موجود ملی و فراملی، حاکمیتی و غیرحاکمیتی، رسمی و جامعه‌ی برای پیشگیری از جرم و بزهکاری استفاده شود و چنانچه این ظرفیت‌ها موجود نبود، ساخته و تدارک دیده شود. بر این اساس، تلفیقی شدن سیاست جنایی، دلالت بر توسعه قلمروی سازوکارهای کنترل جرم نیز می‌کند.

۲. مؤلفه‌های سیاست جنایی ترکیبی

از یک سو، به منظور تحلیل مؤلفه‌های سیاست جنایی ترکیبی، این رویکرد را می‌توان از دو منظر کلی بررسی کرد: منظر سنتی و منظر مدرن یا نوین. از منظر سنتی سیاست جنایی ترکیبی، با دیدی وسیع‌تر حتی پاسخ‌های اداری و انتظامی و یا حتی واگذاری فرایند تعیین و واگذاری بزهکاری را به جامعه محلی و نهادهای عرفی و فرهنگی پیشنهاد می‌کند (قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۵۵). اما در گفتمان‌های نوین یا مدرن، سیاست‌های جنایی ترکیبی را می‌توان ابتدا از منظر جرم‌شناسی انتقادی و سپس از منظر جرم‌شناسی پست‌مدرن، مورد بررسی قرار داد. در جرم‌شناسی انتقادی این بحث مطرح می‌شود که واکنش به جرم به هیچ وجهی نباید و نمی‌تواند به پاسخ‌های کیفری و سزاگرا محدود بماند

۱. در برخی تألیفات به زبان فارسی، توسعه سازوکارها و تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای به منظور کاهش بزهکاری‌ها به عرصه‌های غیردولتی و جامعه‌ی، از جمله ویژگی‌های بنیادین یک نظام سیاست جنایی کارآمد محسوب شده است (نک: غلامی، ۱۳۹۶: ۳-۸؛ غلامی، ۱۳۹۹: ۶۰۵-۶۱۲؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴؛ شیعه‌علی، ۱۳۹۴: ۴۵؛ نوبهار و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۳۹).

و انحصار پاسخ‌ها و واکنش‌ها به پدیده بزهکارانه در قالب پاسخ‌های سزاگرا کارآمدی و مؤثر بودن حقوق جزا و سیاست جنایی را با معضل روبه‌رو می‌کند. از سوی دیگر، در جرم‌شناسی پست‌مدرن، از آنجا که زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرم مختلف و متنوع فرض می‌شوند، این اعتقاد شکل گرفته که نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی می‌تواند از هر پاسخ و واکنشی که به نحوی می‌تواند پاسخ و واکنش مؤثر و متناسب محسوب شود استفاده کند، تفاوت بارز رویکرد جرم‌شناسی انتقادی و رویکرد جرم‌شناسی پست‌مدرن در مورد سیاست جنایی ترکیبی گسترده‌تر بودن نگاه جرم‌شناسی پست‌مدرن به علل و عوامل بزهکاری از یک سو و پاسخ به بزهکاری از سوی دیگر است.^۱

از سوی دیگر، در مورد معنای وصف ترکیبی بودن سیاست جنایی می‌توان از دو منظر موضوع را بررسی کرد: ۱- مادی و ساختاری و ۲- عملکردی و کارکردی. از منظر مادی و ساختاری، ترکیبی بودن سیاست جنایی یعنی سازوکارهای مختلف پاسخ‌دهی به بزهکاری باید بر دو اصل تکثرگرایی و تنوع‌طلبی استوار شده است و از منظر عملکردی و کارکردی این سازوکارهای متنوع و متکثر باید در ارتباط و تعامل کامل با نهادهای مختلف در جامعه مدنی به اجرا دربیاید بر این اساس، یک مفروض کلی و اساسی در سیاست جنایی ترکیبی، این است که سیاست جنایی تک‌ساحتی به هیچ وجه کارآمدی ندارد و در مقابل باید به سیاست جنایی چندساحتی (چندنهادی یا چندسطحی)^۲ مبادرت کرد. بر همین اساس لزوم پاسخ‌دهی تکثرگرایانه به جرم، تنها راه و مسیر درست اجرای صحیح و درست سیاست جنایی خواهد بود. بر همین اساس، مؤلفه‌های سیاست جنایی ترکیبی را می‌توان عبارت دانست از:

۱. برهم‌کنش‌گرایی یا تعامل‌گرایی یعنی برای تعیین و اجرای بهترین پاسخ به بزهکاری باید درصدد ارتقای سطح هم‌افزایی بین نهادهای مختلف جامعه از جمله نهادهای فرهنگی، مذهبی و غیره بود.

۲. توان ظرفیت‌سازی به این معنا که سیاست جنایی کارآمد باید بتواند از ظرفیت‌ها و ساختارهای

۱. جرم‌شناسی پست‌مدرن یا پسانوین، رویکرد جدیدی به علت‌شناسی جرم است که به سبب عدم موافقت با خوانش‌های تک‌ساحتی از جرم و تأکید بر لزوم ترکیب نظریه‌های مختلف از رشته‌های علمی گوناگون در راه ارائه تحلیل همه‌جانبه از بزهکاری‌ها، ماهیتی کاملاً التقاطی دارد. بر همین مبنای جرم‌شناسی پست‌مدرن، دارای روابط نزدیک با الگوی سیاست جنایی ترکیبی محسوب می‌شود. (نک: دارابی، ۱۳۹۹؛ شاملو، ۱۳۹۵؛ کرامتی معز، ۱۳۹۵؛

۱۱۳؛ گلدوزیان، ۱۳۹۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵؛ نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷)

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد مفهوم چندنهادی یا چندسطحی بودن سیاست جنایی (نک: فرجیها و عابدی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ السان، ۱۳۸۷؛ فرجیها، ۱۳۸۸).

موجود برای تعیین و اجرای بهترین پاسخ به بزهکاری بهره‌گیرد و یا حتی ظرفیت‌های جدید تولید کند. ۳. کیفی‌گرایی با این مفهوم که توسل به برخی آمارها آن‌هم آمارهای دولتی و رسمی، هرگز نمی‌تواند بیانگر کیفیت و کارآمدی سیاست جنایی باشد بلکه باید به سمت اصل ارتقای کیفیت‌های عملی پیش رفت.

۴. تکثرطلبی به این معنا که در الگوسازی برای اجرای رویکرد سیاست جنایی ترکیبی، هرگز نباید خود را محدود و محصور به یک مؤلفه یا چند ظرفیت معدود، نمود بلکه باید برای افزایش و توسعه ظرفیت‌های موثر در کنترل جرم، تلاش کرد. تکثرگرایی در واقع، دلالت بر تمایل به کثرت روش‌ها و سازوکارهای پیشگیری از جرم و مقابله با بزهکاری و عدم گرایش به انحصارطلبی در این زمینه دارد.

۵. مشارکت‌محوری سیاست جنایی به این معنا که نظام سیاست‌گذار جنایی باید از دولتی بودن و دولتی شدن فاصله بگیرد و در عوض، از حداکثر سطح مشارکت جامعه مدنی بهره‌گیرد. بر همین اساس است که تئوری‌پردازان و تحلیل‌گران سیاست جنایی ترکیبی معتقدند اصل بر استفاده از ظرفیت‌های نهادی مدنی در فرآیند تعیین و اجرای پاسخ‌ها به بزهکاری است و دولتی بودن سازوکارها یک استثناء است. بر این اساس این تئوری‌پردازان به این نتیجه می‌رسند که اندیشه‌ی اساسی و کلی حاکم بر سیاست جنایی ترکیبی، این است که جرم، معضلی برای همه و راه‌حل آن‌هم در دست همه است و به جای پاسخ‌دهی یک‌جانبه‌گرایانه باید به پاسخ‌دهی چندجانبه‌گرایانه یا چندنهادی به مسئله بزهکاری توجه کرد.

جمع‌بندی مطالب در این قسمت به این صورت ارائه می‌شود که مؤلفه‌های بنیادین سیاست جنایی ترکیبی را می‌توان عبارت دانست از: تعامل‌گرایی، توان ظرفیت‌سازی، کیفی‌گرایی، تکثرطلبی و مشارکت‌محوری. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی جامع با در نظر داشتن مجموع این پنج مؤلفه، می‌تواند نویدبخش تحقق رویکرد سیاست جنایی ترکیبی به صورت عملیاتی باشد. در عین حال، ذکر این نکته لازم است که ویژگی‌هایی چون تکثرگرایی، تعامل‌جویی و مشارکت‌محوری، موجبات ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان سیاست جنایی ترکیبی و سیاست جنایی مشارکتی را نیز فراهم می‌کند. این مقوله، نیازمند مذاقه بیشتر است که در ادامه، موضوع بحث قرار می‌گیرد.

۳. رابطه سیاست جنایی ترکیبی و سیاست جنایی مشارکتی

در ادبیات پژوهشی راجع به سیاست جنایی ترکیبی، این الگوی جدید، دارای ربط‌های وثیق با سیاست جنایی مشارکتی و در واقع، بُعد جدید و پیشرفته‌ای از آن دانسته شده است. بر این مبنا، لازم است تا پیرامون رابطه سیاست جنایی ترکیبی و سیاست جنایی مشارکتی، بحث صورت گیرد. به عنوان مقدمه باید گفت گسترش روزافزون پدیده‌های مجرمانه، احساس ناامنی فزاینده‌ای را در

جوامع انسانی به وجود آورده است. هر چند تأمین امنیت شهروندان از صلاحیت ذاتی دولت‌هاست، ناکامی اقدامات رسمی و پاسخ‌های صرفاً دولتی در برابر این پدیده و افزایش تورم کیفری، ضرورت توجه به سیاست جنایی مشارکتی را نمایان می‌سازد؛ سیاستی که بتواند با جلب و جذب مشارکت مردم و نهادهای مدنی و جامعه‌ی، در نهایت، بهترین و مؤثرترین و کارآمدترین پاسخ‌های ساماندهی‌شده در قبال پدیده‌های مجرمانه را سازمان داده و به موقع اجرا گذارد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۲). سیاست جنایی مشارکتی، هر چند امروزه در ادبیات نوین علوم جنایی، از هویت و جایگاه مستقل و منحصربه‌فردی برخوردار است اما نظر به برخی واقعیت‌ها و مبتنی بر برخی تحلیل‌های منطقی و متقن، دارای وجوه ارتباط و تأثیر و تأثر متقابل با سیاست جنایی ترکیبی نیز هست.

در باب رابطه سیاست جنایی ترکیبی و سیاست جنایی مشارکتی، می‌توان گفت به نظر می‌رسد گستره و قلمرو سیاست جنایی ترکیبی، موسع‌تر از سیاست جنایی مشارکتی است و بدین ترتیب، رابطه آن‌ها عموم و خصوص مطلق است به این ترتیب که اگرچه در سیاست جنایی مشارکتی، حضور جامعه مدنی در فرایند پاسخ‌دهی به جرم و تخلف، مطرح و مبنا است، در سیاست جنایی ترکیبی، علاوه بر مشارکت جامعه مدنی، دیگر ظرفیت‌ها و نهادها هم در مداخلات دولتی - جامعه‌ی برای پیشگیری از جرم و تخلف و نیز مقابله با پدیده‌های بزه‌کارانه، مداخله دارند.^۱

همچنین در توضیح و تبیین سیاست جنایی ترکیبی و ارتباط آن با سیاست جنایی مشارکتی، می‌توان از «افتراقی‌سازی سیاست جنایی»^۲ سخن گفت. افتراقی‌سازی سیاست جنایی، بر اساس معیارهای بزه، بزهکاری، موقعیت‌ها و فرصت‌های بزه‌زا، آماج بزه و نیز قربانی بزه محقق می‌شود. بر این اساس، تمرکز بر جنبه‌های گوناگون یک پدیده مجرمانه، لاجرم، مداخله متنوع و متکثر برای پاسخ‌دهی به این پدیده را ضروری و غیرقابل اجتناب می‌سازد. این پایه، مشارکت‌پذیر کردن سیاست جنایی و سیاست‌های جنایی، در واقع، از سیاست جنایی، یک ماهیت افتراقی و ویژه می‌سازد که شاید در هیچ شاخه دیگری از علوم جنایی، این وضعیت را نتوان شاهد بود. از سوی دیگر، این حالت، خاصیت و کارکردی افتراقی و ویژه نیز به سیاست جنایی می‌بخشد.^۳

اعتقاد و گرایش به تلفیقی شدن سیاست جنایی، نوعی «هم‌افزایی سازمانی و کارکردی» را برای این شاخه از دانش بشری به دنبال خواهد داشت و موجب خواهد شد که سیاست‌گذاران جنایی،

۱. در مورد جایگاه و اهمیت مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از جرم، (نک: رستمی، ۱۳۸۴: ۵۹؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۳؛ مهدوی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۸۲؛ ابروانیان، ۱۳۹۲: ۶۳)

2. Differentiation of penal policy

۲. برای مطالعه بیشتر، (نک: حسنی، ۱۳۹۷؛ آنسل، ۱۳۸۸؛ پاک‌نیت، ۱۳۹۸).

هرگز تک‌بعدی نیاندیشند و تک‌ساحتی تصمیم نگیرند.^۱ افتراقی‌سازی سیاست جنایی، در پرتو پای‌بندی به دو مؤلفه «مشارکتی شدن» و «ترکیبی (تلفیقی) شدن» سیاست جنایی قابل تحقق است. بدین ترتیب، می‌توان به عمق ارتباط وثیق و تنگاتنگ سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی ترکیبی پی برد (دلماش مارتی، ۱۳۹۱: ۵۶).

از سوی دیگر، اشاره به این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که دقیقاً به سبب ذات «مشارکت طلب» سیاست جنایی ترکیبی است که امروزه، بحث بر سر این است که بر خلاف آنچه در اذهان عموم شکل گرفته، در اجرا و کاربست سیاست‌ها در سیاست جنایی، اولویت با پاسخ‌های جامعوی و مردمی است و مداخله‌گری نهادهای جامعوی را باید اصل دانست و مداخلات دولتی و رسمی را استثناء محسوب کرد. اساساً بی‌راه نیست که اندیشمندان سیاست جنایی، معتقدند که اگر دقیق و عمیق، موضوع مورد مذاکره قرار گیرد، این نتیجه حاصل خواهد شد که اصطلاح سیاست جنایی، در خود، معنای مشارکت و مشارکت‌جویی را به همراه دارد و قید مشارکت، در واقع، نوعی تأکید دیگر بر ضرورت مداخله هیأت اجتماع برای پاسخ‌دهی معقول و منطقی به پدیده مجرمانه است. در واقع، اگر معتقد به «ماهیت مشارکت‌جو»ی سیاست جنایی نباشیم، راه را بر ترکیبی شدن آن نیز بسته‌ایم (دلماش مارتی، ۱۳۹۰: ۷۵).

اشاره به یک مصداق عینی از سیاست جنایی فرانسه، شاید برای اثبات کارآمدی سیاست جنایی ترکیبی در پرتو سیاست جنایی مشارکتی، کافی باشد. پدیده‌ای که در این کشور به ویژه در سه دهه اخیر ایجاد شده و به نحو بارزی توانسته امنیت کم و بیش همیشگی را برای ساکنان محله‌ها و مناطق مختلف این کشور فراهم آورد، «قراردادهای محلی امنیت» (قراردادهای امنیت محله‌محور) است که میان نهادهای دولتی و محلی به امضا می‌رسند و به موجب آن‌ها، تأمین و صیانت از امنیت محله‌ها و منطقه‌های سکونت‌گاهی، به خود ساکنان که بیش از هر کس یا نهاد دیگر، به نیازهای خود واقفند و بهتر از هر مرجع یا مقامی، می‌توانند بهترین روش و سازوکار برای تأمین امنیت پایدار در محله یا منطقه خود را فراهم کنند، سپرده می‌شود. این قراردادها، جلوه بارز مشارکتی کردن (مشارکتی شدن) سیاست جنایی است.^۲ از سوی دیگر، این قراردادها را در فرضی که کنشگران و اجراکنندگان آن‌ها از تمامی ظرفیت‌های موجود یا قابل تعریف در سطح جامعه برای پیشبرد اهداف استفاده می‌کنند، می‌توان مصداقی از ترکیبی کردن (تلفیقی شدن) سیاست جنایی نیز هست چراکه به موجب

۱. برای مطالعه بیشتر، (نک: فرخ‌رضا شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸)

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد قراردادهای محلی امنیت در فرانسه، (نک: گسن، ۱۳۹۲؛ مقصودی و احمدی موسوی،

۱۳۹۴؛ نجفی‌توانا و همکاران، ۱۳۹۲)

این قراردادهای، ساکنان محلات و مناطق، تا آنجا که با موازین و استانداردهای بالادستی از جمله ممنوعیت همدستی با گروه‌های مجرمانه تعارض پیدا نکند، حق و صلاحیت خواهند یافت که با نهادها و رویه‌های دیگر برای تأمین امنیت در محله‌ها و منطقه‌های سکونت‌گاهی، وارد مذاکره و مشارکت شوند و این، نشانه آشکار پذیرش رسمی سیاست جنایی ترکیبی در ارتباط با سیاست جنایی مشارکتی در فرانسه است. به این نکته نیز باید اشاره کرد که مثلاً در جریان حوادث تروریستی سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در متروی برخی شهرهای فرانسه از جمله پاریس، وزارت کشور فرانسه (به‌مثابه یک ارگان کاملاً دولتی) با ساکنان برخی مناطق مرکزی این شهر، قراردادهای امنیت محله‌محور امضا کرد و به آن‌ها اختیار داد در تعامل کامل با پلیس پاریس، از هر ظرفیت قانونی و مشروعی برای تأمین امنیت محله‌های مرکزی شهر استفاده کنند.^۱

بدین ترتیب، می‌توان نشانه‌های مشترکی میان سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی ترکیبی را به نظاره نشست؛ مواردی چون «تحول از پاسخ‌های صرفاً دولتی به پاسخ‌های پیکره اجتماع»، «تحول از جرم به پدیده مجرمانه»، «تحول از واکنش صرف به ترکیب و تلفیق توأمان کنش و واکنش (و یا چه بسا تقدم کنش بر واکنش)». جالب است که بحث از این قبیل موارد، هم در سیاست جنایی ترکیبی و هم در سیاست جنایی مشارکتی، از جمله موضوعات اصلی و بنیادین است. به این ترتیب، می‌توان اهداف و آرمان‌های مشترکی نیز برای سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی ترکیبی، تصور نمود؛ به این ترتیب که هدف غایی، در نهایت، استفاده از توان و قدرت کنش‌گران مختلف در فرایند پاسخ‌دهی به پدیده‌های مجرمانه است و بدین ترتیب، انجمن‌ها، تشکل‌ها، رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و مذهبی و تمام سازوکارها و تدابیری که در خارج از بدنه رسمی دولت، موجودیت یافته‌اند اما به هر حال، می‌توانند آثار و کارکردهای پیشگیرانه از جرم و تکرار جرم داشته باشند و می‌توانند در فرایندهای پاسخ‌دهی، مداخله داده شوند.

۱. ممکن است سؤال شود که آیا قراردادهای امنیت محله‌محور که در کشوری نظیر فرانسه، به موقع اجرا گذارده شده، در جامعه فعلی ایران، قابلیت انعقاد و اجرا دارد یا خیر؟ به نظر، پاسخ مثبت است. دست‌کم با تکیه بر برخی تجربه‌های عملی در برخی کلان‌شهرهای کشور در سال‌های اخیر، می‌توان گفت این قراردادها در ایران نیز می‌توانند منعقد شده و به اجرا درآیند. گفتنی است با کنکاش بیشتر، دسترسی به برخی نمونه‌های عملی همکاری و همیاری نیروی انتظامی و ساکنان برخی محلات در شهرهای تهران و اصفهان، میسر شد. فی‌المثل در اصفهان، با اجرای طرحی موسوم به «محلات امن» در فاصله سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۵ در برخی مناطق کلان‌شهر اصفهان، نیروی انتظامی از طریق همکاری نزدیک جوامع محلی و شهروندان ساکن مناطق هدف (جُلُفا و حومه)، موفق به نظارت به مراتب هدفمندتر و گسترده‌تر بر محلات این منطقه شد و نرخ بزهکاری‌ها کاهش قابل توجهی یافت.

امروزه، با ترکیب دو رویکرد سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی ترکیبی، حتی می‌توان از «ترکیبی شدن سیاست جنایی مشارکتی» نیز سخن گفت؛ همانگونه که از ظاهر این عنوان نیز برمی‌آید، مقصود، «رهسپار شدن از پاسخ‌های صرفاً دولتی واکنشی» به «پاسخ‌های جامعه‌ی کنشی و واکنشی» است. لازم به ذکر است که نظر به اهمیت این قبیل مسائل، ترکیبی شدن (تلفیقی کردن) سیاست جنایی مشارکتی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به ویژه برای نظام‌های سیاست جنایی وفادار به آرمان عدالت و آزادی و قانونمداری قلمداد می‌شود.^۱

به عنوان جمع‌بندی می‌توان به این نکته اشاره کرد که ترکیبی شدن سیاست جنایی، به وضوح، نشانه‌های مشارکتی شدن سیاست جنایی را دارد. در حقیقت، به نظر می‌رسد «مشارکتی بودن»^۲، یک ویژگی ذاتی برای الگوهای پیشگیری و مقابله با جرم بر اساس رویکرد سیاست جنایی ترکیبی است. ذاتی بودن این ویژگی، این نتیجه را به دنبال خواهد داشت که بدون مشارکت دادن نهادها و ظرفیت‌های غیردولتی، اساساً ترکیبی بودن سیاست جنایی، حاصل نخواهد شد.

اما مقوله دیگری که باید مورد بحث قرار گیرد، این است که آیا الگوهای ترکیبی سیاست جنایی، تا به حال در کشوری به صورت عملی به اجرا درآمده‌اند یا خیر؟ و نکته دیگر این است که اجرای سیاست جنایی ترکیبی در این کشورها، دربردارنده چه نتایج و دستاوردهایی بوده است؟ پاسخ این است که دو کشور فرانسه و انگلستان، سیاست جنایی ترکیبی را به صورت عینی و عملی به اجرا گذاشته‌اند و نتایج حاصله نیز جالب و قابل توجه و دال بر موفقیت این دو کشور بوده است. به سبب ارتباط مستقیم با موضوع نوشتار حاضر، تجربه این دو کشور در اجرای سیاست جنایی ترکیبی، در ادامه، مورد مطالعه است.

۴. تجربه اجرای سیاست جنایی ترکیبی در فرانسه و انگلستان

سیاست جنایی ترکیبی، در معنا و مفهومی که از آن ارائه شد، به ویژه در دو کشور فرانسه و انگلستان، مورد توجه و اجرا بوده است و بر این اساس، می‌توان قائل به وجود دست‌کم دو الگوی فرانسوی و انگلیسی برای اجرای این رویکرد جدید شد. در ادامه، این دو الگو، مورد بررسی هستند؛

۴-۱. الگوی فرانسوی اجرای سیاست جنایی ترکیبی

فرانسه، خاستگاه اصلی طرح مفهوم «سیاست جنایی ترکیبی» است. این مفهوم، نخستین بار

۱. در تألیفات موجود و مرتبط در ایران، چرخش رویکرد از پاسخ‌های دولتی به پاسخ‌های جامعه‌ی، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی سیاست جنایی مشارکتی، محسوب شده است. برای مطالعه بیشتر، (نک: جمشیدی، ۱۳۸۸؛ طرهانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ عبداللهی، ۱۳۹۶)

توسط خانم دکتر دل‌ماس مارتی مطرح شد. در یک دهه گذشته، این الگوی جدید تفکر در سیاست جنایی، تقویت شده و به گفتمان نهادهای رسمی نیز وارد شده است. در این کشور، یک نمونه بارز سیاست جنایی ترکیبی، به ویژه در سازوکاری تحت عنوان قراردادهای امنیت محلی (محل‌های) که میان اعضاء و ساکنان مناطق سکونت‌گاهی و پلیس ملی این کشور منعقد می‌شوند و به موجب این قراردادها، صیانت از امنیت محل‌ها تحت نظارت پلیس به خود ساکنان محل‌ها سپرده می‌شود، قابل مشاهده است. در واقع، این قراردادها را خود ساکنان به اجرا درمی‌آورند و نیروی رسمی پلیس، صرفاً حکم پشتیبانی برای این قراردادهاست و الزاماً در اجرای آن، مداخله‌ای ندارد. در بسیاری از گزارش‌های مردمی که از نحوه اجرای این قراردادها به مقامات رسمی فرانسه از جمله وزارت کشور منعکس شده، رضایت عمومی از استقرار و تثبیت امنیت در محل‌هایی که این قراردادها به اجرا درآمده بودند، بسیار بالا بوده است. البته کارکرد این قراردادها به مرحله پیشگیری از جرم، محدود نمی‌شود بلکه در مرحله پاسخ‌دهی به جرائم نیز الگوی ترکیبی و تلفیقی، به موقع اجرا گذارده می‌شود. به عنوان مثال، در جرم سرقت که جنبه حقوق خصوصی مالکانه، به شدت نقض می‌شود و بنابراین، اراده مال‌باخته در تعیین کیفر، می‌تواند یک مبنای اصلی برای تصمیم‌گیری قضایی باشد، نحوه جبران خسارت از صاحب مال، به رویه‌های گفتگو میان بزه‌کار و بزه‌دیده واگذار شده است و در واقع، رویکردی ترمیمی در این باره اتخاذ شده است. در یک مورد، «مولان»^۱، مال‌باخته جرم سرقت از منزل، در جلسه‌ای که دادگاه، قصد تعیین مجازات برای «فارن»^۲ مرتکب جرم داشت، دعوت شد و قاضی پرونده، با اجرای یک برنامه ترمیمی گفتگو محور میان طرفین جرم، نحوه جبران خسارت از مال‌باخته را به خود این دو، با واسطه‌گری کشیش «کارلا»^۳ و «مارنین»^۴ که یکی از معلمان شاغل در مدارس آن منطقه بود، واگذار کرد (Annisson, 2017: 115).

علاوه بر این، در این کشور، سیاست جنایی ترکیبی، در پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی نیز مبنای اقدام بوده است؛ به نحوی که صیانت از جلوه‌ها و مظاهر محیط‌زیست در این کشور با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم زیست‌محیطی، در بسیاری از موارد، به نهادهای غیررسمی و مدنی سپرده

1. Mulan
2. Farenn
3. Carla
4. Marneen

۵. استفاده از راهبردهای ترمیمی و اجتماع‌محور، با هدف ایجاد دوباره پیوندهای اجتماعی، امروزه در بسیاری از نظام‌های کیفری، مورد شناسایی قرار گرفته است. این مقوله، به ویژه در پذیرش کیفر خدمات عمومی رایگان، متجلی است. (نک: محسنی و شاملی، ۱۴۰۳: ۴۵-۷۸).

شده است. از جمله در دستورالعملی که اداره محلی حمایت از گونه‌های جانوری در شهر نیس در سال ۲۰۱۱ صادر کرده، به لزوم استفاده و بهره‌برداری از توان و ظرفیت نهادهای غیررسمی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها به منظور آموزش منجسم رویه‌های حمایتی از محیط‌زیست به کودکان و نوجوانان و جوانان، تصریح شده است. در زمینه پاسخ‌دهی به جرائم زیست‌محیطی نیز سیاست جنایی ترکیبی، در بسیاری از موارد، مبنای اقدام نهادهای رسمی و قضایی در این کشور بوده است. برای مثال، در ژانویه ۲۰۱۲ که گزارشی از تخریب جنگل در حاشیه شهر استراسبورگ به مقامات محلی رسید و اداره محیط‌زیست، از مرتکبان تخریب، اقدام به شکایت کرد، دادگاه در نهایت، مرتکبان را به دو سال همکاری مداوم با اداره محل برای پاک‌سازی جنگل و درختکاری موظف نمود. همچنین، نظارت بر نحوه اجرای وظایف از سوی ایشان، به گروهی متشکل از چند نفر از معلمان و کارگران محلی به عنوان نماینده افکار عمومی سپرده شد و ایشان، موظف شدند گزارشی از روند اجرای تکالیف محوله به مرجع قضایی، ارائه نمایند (Pereira, 2015: 214).

در یک نمونه دیگر از اجرای سیاست جنایی ترکیبی در فرانسه، پلیس، در برنامه‌ای موسوم به عملیات ضد تابستان گرم یا عملیات تعطیلات، فرصت‌های تفریحی و رفاهی و کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی از سوی نهادهای اجتماعی فعال و خودجوش، برای جوانانی که به هر دلیل، در تعطیلات تابستان، فرصت مسافرت نداشته و امکان درگیر شدن آن‌ها با جاذبه‌ها و فرصت‌های مجرمانه و بزهکارانه، بالا ارزیابی می‌گردد، در نظر گرفته می‌شود. این عملیات زیرنظر پلیس و با مداخله مستقیم نهادهای جامعه‌ی به اجرا درمی‌آیند و هدف عمده، پیشگیری از بزهکاری جوانان است. این برنامه، به ویژه در مجتمع‌های مسکونی پرجمعیت اطراف شهرها به اجرا درمی‌آید (Little, 2013: 144).

نمونه‌هایی از ترکیبی شدن سیاست جنایی و تلفیق رویه‌ها و برنامه‌ها و سازوکارها برای پیش‌گیری از جرم و پاسخ‌دهی به بزهکاری، در انگلستان نیز مشهود است که در ادامه، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۴. الگوی انگلیسی اجرای سیاست جنایی ترکیبی

در انگلستان، بهره‌گیری از الگوی ترکیبی سیاست جنایی، بیش از همه در مواجهه با جرائم اطفال و نوجوانان، قابل ملاحظه است. در شهرهای بزرگ، مؤسسات تفریحی، ورزشی، علمی و آموزشی، نقش و کارکرد بارزی در تفهیم و آموزش سازوکارهای مدیریت بحران، به کودکان و نوجوانان دارند. این مؤسسات، عمدتاً بدون وابستگی مالی به دولت و به صورت خودجوش و مدیریت خصوصی، تشکیل و اداره می‌شوند. در نسخه روزآمد شده برنامه‌ای موسوم به «برنامه لیورپول»^۱، کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۶ ساله که مرتکب عمل مجرمانه‌ای شده‌اند، مورد پذیرش و تحت آموزش برای یادگیری مهارت‌های

زندگی قرار می‌گیرند. این آموزش‌ها با اطلاع پلیس محلی و وزارت کشور به این کودکان و نوجوانان ارائه می‌گردد و در پایان دوره‌های آموزشی نیز آزمون‌های نظری و عملی از کودکان و نوجوانان به عمل می‌آید تا سطح آموزش‌پذیری و یادگیری مفاهیم پایه برای مدیریت بحران در آن‌ها سنجش شود. با اینکه آموزش این مهارت‌ها هدف عمده این دوره‌هاست ولی اهداف دیگری نیز برای آن‌ها منظور شده است، از جمله تغییر مسیر کودکان و نوجوانان از سخت‌گیری و تجربه‌های زیان‌بار نظام رسمی عدالت کیفری، ارائه مشاوره به پدران و مادران و یا دیگر سرپرستان کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری، ارائه نظارت و کمک داوطلبانه با محوریت نهادهای غیررسمی و جامعه‌ی به کودکان و نوجوانان پذیرفته‌شده در طرح‌های آموزشی (McAra & Mc Vie, 2010: 203).

در راستای اجرای برنامه لیورپول، برنامه دیگری در سطح پلیس ملی انگلستان تعریف شده است تحت عنوان «تاپ»^۱ که در آن، هر ساله در فصل گرم، حدود ۱۰۰ نوجوان، برای گشت‌زنی در پارک‌ها و مکان‌های تفریحی، مجوز رسمی از پلیس دریافت می‌کنند و به اموری چون نظارت بر رفتارها به ویژه جلوگیری و پیش‌گیری از تخریب محیط زیست یا دیوارنویسی یا نزاع‌های خیابانی، مبادرت می‌ورزند. این گروه از نوجوانان، در واقع، بی‌آنکه پلیس، مداخله‌ای برای پیش‌گیری از این جرائم داشته باشد، به عنوان نماینده جامعه محلی، به این مهم، همت می‌گمارند. یکی دیگر از برنامه‌های پلیس انگلستان، «آموزش مقاومت در برابر مصرف مواد مخدر»^۲ است که برای مقابله با گرایش کودکان و نوجوانان به مواد مخدر و الکل، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. بخش مهمی از این برنامه آموزشی، با مشارکت کودکان و نوجوانان موفق در امور تحصیلی، فرهنگی و هنری که در واقع، الگوهایی برای کودکان و نوجوانانی که در معرض خطر ارتکاب این جرائم هستند، به اجرا درمی‌آید. در این برنامه آموزشی، نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله که خود، در دوره‌های رسمی از سوی دولت، آموزش دیده‌اند، مهارت‌های مقاومت در برابر جاذبه‌های مصرف مواد مخدر و الکل را به کودکان و نوجوانان دیگر آموزش می‌دهند. گزارش‌های واصله به پلیس و نیز وزارت کشور، حاکی از موفقیت چشم‌گیر این برنامه‌های آموزشی و نیز رضایت کودکان و نوجوانان تحت آموزش از اینکه توسط همسالان خود، مفاهیم مهم دوری از مواد مخدر و الکل را فرا گرفته‌اند، بوده است. در گزارشی که در سال ۲۰۱۴ از نحوه اجرای این دوره‌های آموزشی به پلیس و وزارت کشور انگلستان ارائه شده، یک مزیت و اثر عمده برگزاری این دوره‌ها، «مردمی شدن رویه‌های رسمی»^۳ در مبارزه با مواد مخدر

1. TOP
2. Drug Abuse Resistance Education(DARE)
3. Popularization of Formal Processes

و الکل ذکر شده است (Hollingsworth, 2014: 115).

نظیر رویکردی که در این برنامه، مبنای اقدام پلیس انگلستان قرار گرفته، در اجرای برنامه دیگری موسوم به «برنامه مقاومت در برابر باندها»^۱ مشهود است. این برنامه، سعی در آموزش مهارت‌های رفتاری و مهارت‌های مدیریت بحران نسبت به دانش‌آموزانی که در محیط‌های آموزشی، تحت فشار باندهای مجرمانه برای همکاری قرار می‌گیرند، داشته است. سال ۲۰۱۳، نخستین سطح این برنامه در انگلستان به اجرا درآمده و در آن، پلیس، تلاش کرده است با به خدمت گرفتن ترکیبی از افسران پلیس و نیز نیروهای جامعه‌ی از جمله معلمان و مددکاران، برنامه‌های درسی مشخصی را با هدف افزایش مهارت‌های ارتباطی و عدم تأثیرپذیری از جاذبه‌ها و وسوسه‌های مجرمانه، به کودکان و نوجوانان از جامعه هدف ارائه نماید (Drake & Briggs, 2014: 133).

در جمع‌بندی مطالب این قسمت می‌توان گفت یک بُعد نمایان اجرای الگوی ترکیبی در سیاست جنایی فرانسه، کاهش سطح و میزان مداخله‌گری نهادهای رسمی و دولتی و واسپاری فرایندهای پیش‌گیری از بزه و پاسخ‌دهی به آن، به نهادهای غیررسمی و عموماً متشکل از طبقات مردمی و شهروندی بوده است. به عبارت دیگر، در فرانسه، تلفیقی از سازوکارهای برخاسته و ریشه‌دار در زندگی روزمره مردم که طبعاً نسبت به رویه‌ها و برنامه‌های رسمی و دولتی، سنخیت بیشتری با انتظارات و توقعات افکار عمومی در فرایندهای پیشگیری از جرم و پاسخ‌دهی به بزه دارد، مبنای اقدام قرار گرفته است. بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی در فرانسه، کوشیده‌اند هرگز رویه‌ها و برنامه‌ها را دولتی یا به تعبیر بهتر، دولت‌زده نکنند و از ظرفیت‌های جامعه‌ی برای پیشگیری از جرم و پاسخ‌دهی به آن، بهره ببرند. در ارتباط با تجربه انگلستان نیز این نکته حائز اهمیت است که برنامه‌هایی با نقش‌آفرینی مستقیم نهادها و مراجع جامعه‌ی برای پیشگیری از بزه و یا گاه، پاسخ‌دهی به جرائم و بزهکاری‌ها و صرفاً با نظارت و هدایت نهادهای رسمی و دولتی، به اجرا درآمده است که اوصاف ترکیبی شدن سیاست جنایی را به نحو بارزی در خود دارد اما باید دید که چه الگویی می‌توان به منظور کاربست سیاست جنایی ترکیبی در ایران، پیشنهاد کرد؟ پیش از بررسی الگوی پیشنهادی اجرای سیاست جنایی ترکیبی در ایران، ابتدا لازم است ظرفیت‌های موجود فعلی در ایران برای اجرای این نوع سیاست جنایی را مطالعه نمود.

۵. ظرفیت‌های اجرای سیاست جنایی ترکیبی در ایران

در حال حاضر، برخی ظرفیت‌های اجرای سیاست جنایی ترکیبی به صورت مصوب در اسناد بالادستی یا در قوانین موضوعه، قابل شناسایی هستند. در این قسمت از پژوهش حاضر، تلاش

1. Gang Resistance Education and Training(G.R.E.A.T.)

می‌شود این ظرفیت‌ها مورد بحث قرار گیرد. نکته‌ای که ذکر آن لازم است اینکه، ممکن است اشاره اسناد یا قوانینی که در این قسمت، مطالعه می‌شوند به مقوله سیاست جنایی ترکیبی، لزوماً آگاهانه و مبتنی بر اطلاع از همه جوانب این موضوع نباشد لیکن به هر حال، رویکردها و تصریح‌های مقام یا نهاد صادرکننده یا تصویب‌کننده این اسناد یا قوانین به مقوله مورد اشاره را می‌توان از منظر اصول و موازین این نحله فکری جدید در سیاست جنایی، بررسی کرد.

۱-۵. سند تحول قضایی مصوب ۱۳۹۹

در برخی از فرازهای این سند مهم که قرار است مبنای ایجاد تحول عمده در کارکردها و عملکردهای قوه قضاییه کشور در آینده باشد، با جلوه‌هایی از سیاست جنایی ترکیبی روبه‌رو هستیم. از جمله در بند ۶ از مبحث سوم (تحت عنوان چرخش‌های تحول‌آفرین)، «چرخش از مدیریت متمرکز و اکتفا به ظرفیت‌های درون‌سازمانی به مدیریت مشارکت‌جو و مردم‌محور» به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای مطرح در این سند، ذکر شده است. بر این مبنای، در قسمت راهکارها و راهبردها در این سند، افزایش مشارکت نهادهای مردمی و جلب کمک‌ها و مساعدت‌های اقشار و طبقات مختلف جامعه برای عملیاتی‌سازی راهکارهای پیشگیری از جرم و تأمین امنیت پایدار در جامعه و جلوگیری از ایجاد آسیب‌های ناشی از بزهکاری‌های گوناگون، مورد تصریح قرار گرفته است. بهره‌گیری از نظرات و راهکارهای پیشنهادی اصحاب حوزه و دانشگاه به منظور ارتقا و تقویت میزان مشارکت‌محوری دستگاه‌های مختلف فعال در حوزه صیانت از حقوق عامه به ویژه قوه قضاییه به خصوص در امر سامان‌دهی به فرایندهای پیشگیری از جرم و مقابله با بزهکاران مصمم و زمینه‌ها و رفع بسترهای جرم‌خیز، یکی دیگر از مسائل مورد تأکید در این سند است.

۲-۵. سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ مصوب ۱۳۸۲

در این سند که در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ توسط مقام رهبری به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شده است، بر مقولات مهم و تعیین‌کننده‌ای همچون تأکید بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی برای آحاد جامعه، تأکید شده است. این سند، البته گویای چشم‌اندازهای کلی است و راهکارها و راهبردهای قابل اجرا برای نیل به اهداف مصرح در چشم‌اندازها آنچنان موضوع توجه و تصریح نبوده‌اند ولی با این حال، تصریح این سند به بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی که در مباحث راجع به سیاست جنایی ترکیبی، از جمله محورهای عمده است، قابل توجه است.

۳-۵. دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه ابلاغی ۱۳۹۸

در ابتدای مقدمه این دستورالعمل، «توجه نظام‌مند، پایدار و دانش‌بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی برای مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت

از بزه‌دیدگان، میانجی‌گری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و بازاجتماعی شدن متهمان و مجرمان» مورد تصریح قرار گرفته است. در فراز دیگری از این مقدمه، به «مشارکت مردم و ظرفیت گسترده‌ی نهادهای مردمی در اجرای اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی^۱»، تأکید شده است. در ماده ۱ این دستورالعمل، نهادهای مردمی و نیز نهادهای مردمی همکار که بازوهای اصلی دستورالعمل مورد اشاره هستند، تعریف شده‌اند. در تعریف نهادهای مردمی آورده شده است: «نهادهایی هستند که به صورت داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرسیاسی و با مجوز یکی از مراجع ذی‌صلاح فعالیت می‌کنند؛ از قبیل مساجد، سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های تبلیغی و سازندگی، انجمن‌های علمی، خیریه‌ها و بقاع متبرکه» و در تعریف نهادهای مردمی همکار نیز مقرر شده است: «نهادهایی هستند که برای نقش‌آفرینی در چارچوب این دستورالعمل، تمایل به همکاری دارند و معاونت‌پیشگیری [قوه قضاییه]، با همکاری مراجع مرتبط، موضوع و محدوده جغرافیایی فعالیت آن‌ها را پس از احراز شاخص‌های مربوطه، تعیین و به مراجع مسئول ابلاغ می‌نماید.» ماده ۲ دستورالعمل، اساساً به مقوله اهداف دستورالعمل پرداخته و آن‌ها را عبارت دانسته است از: «الف - تقویت رویکرد مشارکت و افزایش تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه؛ ب - تسهیل عملکرد نهادهای مردمی در موضوعات این دستورالعمل؛ پ - ارتقای توانمندی و تقویت ظرفیت نهادهای مردمی؛ ت - بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای مردمی در راستای تحقق اهداف قوه قضاییه» از جانب دیگر، در بند «ج» ماده ۳ این دستورالعمل، یکی از راهبردهای تحقق مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه، «مسئولیت‌پذیری، همبستگی و انسجام اجتماعی»، اعلام شده است. ماده ۴ دستورالعمل نیز در مقام احصای موضوع فعالیت نهادهای مردمی در راستای اجرای مفاد این دستورالعمل، به «مشارکت عمومی و همکاری در راستای صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق شهروندی، پیشگیری و مقابله با فساد، دفاع از آزادی‌های مشروع، پیشگیری از وقوع جرم، میانجی‌گری، صلح و سازش، معاضدت حقوقی و روان‌شناختی، مددکاری اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، حمایت از حقوق بشر، سلامت، زنان، خانواده، اطفال و نوجوانان،

۱. «قوه قضاییه، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند، ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین، ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام و ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

بیماران یا اشخاص دارای ناتوانی جسمی و روانی، محیط زیست، میراث فرهنگی، منابع طبیعی، امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از بزه‌دیدگان و خانواده‌آن‌ها، همیاری بازپرورانه در اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و معاضدت به محکومان و حمایت از خانواده آن‌ها» تصریح کرده است. یک مفهوم مهم مطرح در ماده ۹ این دستورالعمل، بحث «شبکه‌سازی» برای جلب مشارکت‌های مردمی و نهادهای اجتماعی مختلف در راستای پیشگیری از جرم و افزایش نظم و انضباط اجتماعی است. به نظر می‌رسد شبکه‌سازی در اینجا، دلالت بر ایجاد یک ساختار نظام‌مند، قاعده‌محور و هدف‌بنیاد برای تقویت زمینه‌های بهره‌گیری مستقیم و غیرمستقیم از ظرفیت‌های جامعه‌ی - مردمی برای پیشگیری از بزهکاری دارد که به نظر می‌رسد می‌توان آن را شالوده‌ی اجرای سیاست جنایی ترکیبی در ایران دانست. همچنین در فصل چهارم این دستورالعمل، حوزه‌های مشارکت نهادهای مردمی در تعامل با قوه قضاییه، مورد اشاره بوده است. در مبحث اول این فصل، «مشارکت در سیاست‌گذاری» (شامل مواد ۱۴ و ۱۵) و در مبحث دوم آن، «مشارکت در پیشگیری از وقوع جرم» (شامل مواد ۱۶ تا ۱۹)، مطرح است. با مذاقه در این مقررات، می‌توان نشانه‌های آشکار موازین سیاست جنایی ترکیبی را دید. تصریح به مواردی از جمله «جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و آمارهای موجود در خصوص وضعیت بزهکاری در مناطق مختلف»، «تعیین اولویت‌های پیشگیری از جرم بر حسب شاخص‌هایی مانند میزان پیشگیری‌پذیری، تأثیر بر تکوین سایر جرایم، فراوانی جرم و صدمات و آسیب‌های ناشی از آن، میزان حساسیت مردم و افکار عمومی و امکان مشارکت نهادهای مردمی همکار»، «شناسایی افراد در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی و آماج‌های پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی با تأکید بر گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان و نوجوانان، زنان و ناتوانان ذهنی و جسمی»، «طراحی و تدوین برنامه‌ها و مداخله‌های استانی و شهرستانی پیشگیری از جرم و تعیین نقش نهادهای مردمی همکار در اجرای این برنامه‌ها»، «تهیه تفاهم‌نامه همکاری چندجانبه میان دادگستری‌های مربوطه، نهادهای مردمی همکار و دستگاه‌های متولی، با تأکید بر مشارکت پیشگیرانه حداکثری نهادهای مردمی همکار» و «ارزیابی میزان اثربخشی تدابیر پیشگیرانه و نظارت بر تحقق اهداف مورد نظر در تفاهم‌نامه همکاری»، دلالت بر جریان داشتن موازین الگوی سیاست جنایی ترکیبی در فرازهای مختلف این دستورالعمل دارند. بر همین اساس، به باور نگارندگان حاضر، این سند را می‌توان مهم‌ترین ظرفیت فعلی موجود در کشور در راستای پیاده‌سازی الگوی سیاست جنایی ترکیبی در ایران محسوب کرد. البته دامنه‌ی تعاملات مردمی و جامعه‌ی با قوه قضاییه در این دستورالعمل، به این موارد، محدود نیست بلکه در مبحث سوم (شامل مواد ۲۰ تا ۲۲)، مشارکت در حمایت از بزه‌دیدگان، در مبحث چهارم (شامل مواد ۲۳ تا ۲۷)،

مشارکت در میانجیگری و صلح و سازش، در مبحث پنجم (شامل مواد ۲۸ و ۲۹)، مشارکت در نظارت بر اجرای قوانین، در مبحث ششم (شامل مواد ۳۰ تا ۳۳)، مشارکت در فرایند رسیدگی و در مبحث هفتم (شامل مواد ۳۴ تا ۴۵)، مشارکت در بااجتماعی شدن متهمان و مجرمان، مورد توجه تدوین‌کنندگان دستورالعمل قرار گرفته است.^۱

۴-۵. قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴

مهم‌ترین ظرفیتی که در این قانون پیش‌بینی شده و به نظر می‌رسد رابطه آشکاری با الگوی سیاست جنایی ترکیبی دارد، بند ۳ از ماده ۳ این قانون راجع به وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم است. در این بند، «بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آن‌ها»، یکی از وظایف شورای مورد اشاره که بر اساس قانون پیشگیری از وقوع جرم، مهم‌ترین نهاد متولی و در واقع، هماهنگ‌کننده برنامه‌ها و تدابیر و سازوکارهای پیشگیری از وقوع جرم در کشور است، اعلام شده است. همچنین در راستای آنچه در این بند آمده است، بند ۳ از ماده ۵ این قانون، در مقام احصای وظایف دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، «شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای غیر دولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و مقررات و مصوبات شورا» را مورد تصریح قرار داده است.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت اسناد و قوانین مورد اشاره در این قسمت، در مجموع می‌توانند منظومه سیاست‌گذاری جنایی بر اساس الگوی سیاست جنایی ترکیبی را در کشور ما شکل دهند و با رفع موانع و چالش‌های ساختاری و عملکردی می‌توان یک الگوی منسجم سیاست‌گذاری جنایی مبتنی بر راهبرد سیاست جنایی ترکیبی را در ایران سامان داد.

پس از بحث درباره ظرفیت‌های اجرای الگوی سیاست جنایی مشارکتی - ترکیبی در ایران، الگوی پیشنهادی نگارندگان در راستای کاربردی سیاست جنایی مشارکتی - ترکیبی در ایران، ارائه می‌گردد.

۶. الگوی پیشنهادی کاربردی سیاست جنایی ترکیبی در ایران

ذیل این عنوان، الگوی پیشنهادی برای کاربردی سیاست جنایی ترکیبی در ایران، ارائه شده و سپس، توضیحات لازم در تبیین این الگو، ارائه می‌گردد. پیش از آن، ذکر این نکته لازم است که نگارندگان حاضر، در ارائه این الگو، تلاش داشته‌اند تا آموزه سیاست جنایی ترکیبی را در ارتباط کامل با سیاست

۱. به نظر نگارندگان این نوشتار، اینگونه می‌رسد که دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه ابلاغی ۱۳۹۸، می‌تواند به عنوان یک مدل برای قانونگذاری پیرامون اجرای الگوی سیاست جنایی مشارکتی - ترکیبی در ایران، مطرح باشد.

جنایی مشارکتی، تصور کنند و در واقع، سیاست جنایی مشارکتی - ترکیبی را مبنا قرار دهند.

۱-۶. معرفی الگوی ایرانی اجرای سیاست جنایی ترکیبی



با دقت در الگوی بالا، می‌توان اجزای تشکیل دهنده آن را شناخت؛

۱. از یک سو، سه نهاد عمده اجراکننده الگو، نهادهای سیاست‌گذار، نهادهای تسهیل‌گر و نهادهای تنظیم‌گر هستند. نهادهای سیاست‌گذار، نهادهایی هستند که وظیفه عمده آن‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای اصلی برای اجرای سیاست‌های مشارکتی و ترکیبی است نظیر دولت یا مجلس شورای اسلامی است. نهادهای تنظیم‌گر، نهادهایی هستند که ایجاد و تقویت رابطه میان‌ها و عناصر مختلف در فرایند مشارکتی شدن و ترکیبی شدن سیاست جنایی را عهده دارند و در سطح پایین‌تر از نهادهای سیاست‌گذار نظیر ارگان‌های نظارتی و کنترل و ارزیابی عملکرد قرار می‌گیرند. نهادهای تسهیل‌گر نیز نهادهایی هستند که رسالت اصلی آن‌ها تسهیل و تسریع فرایندهای عملیاتی سیاست جنایی مشارکتی و ترکیبی است مثل انجمن‌ها و تشکل‌های مردمی و سمن‌ها.^۱ این نهادها در عین استقلال وجودی از یکدیگر، ارتباط عملکردی کامل با یکدیگر دارند و بر این اساس، تعامل (برهم‌کنش) میان آن‌ها سازنده شالوده الگوی سیاست جنایی ترکیبی در ایران است.
۲. از سوی دیگر، ارتباط این سه نهاد عمده اجراکننده سیاست جنایی ترکیبی در ایران، در یک

۱. امروزه، مشارکت متوازن نهادهای دولتی و سمن‌ها، از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌های مطلوبیت سیاست جنایی است. گستره این مؤلفه، نظام‌های خاص حکمرانی از جمله نظام اداری را نیز دربرگرفته است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: (کوشا و رجب‌زاده، ۱۴۰۴: ۱۴۱-۱۶۸).

محیط برقرار می‌گردد که نگارندگان حاضر، نام این محیط را محیط عملیاتی یا اجرایی گذاشته‌اند. این محیط، در واقع بستر ایجاد ارتباط میان این سه نهاد عمده، اثرگذاری هر یک از آن‌ها بر عملکرد دیگری و حصول نتایج مطلوب مورد نظر است.

۳. در محیط مورد اشاره و با عنایت به ارتباط سه نهاد عمده گفته شده و بر اساس تعاملات میان این نهادها، عناصر سیاست جنایی ترکیبی - مشارکتی در جامعه ایرانی را می‌توان عبارت دانست از: شناخت مسئله، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی هدف‌محور، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی. به عقیده نگارندگان حاضر، این پنج مورد، در واقع، گویای مراحل هستند که برای اجرا و تحقق کامل سیاست جنایی ترکیبی در جامعه فعلی ایرانی، باید طی شوند. در مرحله اول، باید شناخت دقیق و جامعی از مسئله (در مانحن‌فیه، معضل بزهکاری) یافت. سپس، باید به منظور پیشگیری از این معضل، هدف‌گذاری کاملی صورت گیرد. سپس، بر اساس هدف‌گذاری، باید برنامه‌ریزی مشخصی انجام شود. پس از آن، برنامه‌های تعریف شده به اجرا درآید و به منظور شناسایی کمبودها و آسیب‌ها، برنامه‌های اجراشده، مورد ارزشیابی و آسیب‌شناسی قرار گیرند.

۴. از برآیند همه عناصر پیش‌گفته، هدف غایی از الگو یعنی امنیت و عدالت، در جامعه ایرانی حاصل خواهد شد.

۲-۶. تحلیل الگوی ایرانی اجرای سیاست جنایی ترکیبی

به نظر می‌رسد می‌توان در ایران فعلی، به مدلی برگرفته از عناصر مطرح در سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی ترکیبی رسید. مؤلفه‌های هر دو نحله فکری در مدل پیشنهادی، مطرح و موجود هستند. سیاست جنایی مشارکتی، به واسطه اقدام و عملکرد نهادهای سیاست‌گذار (نهادهایی که وظیفه عمده آن‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای اصلی برای اجرای سیاست‌های مشارکتی و ترکیبی است نظیر دولت یا مجلس شورای اسلامی)، نهادهای تنظیم‌گر (نهادهایی که ایجاد و تقویت رابطه میان عناصر مختلف در فرایند مشارکتی شدن و ترکیبی شدن سیاست جنایی را عهده‌دار هستند و در سطح پایین‌تر از نهادهای سیاست‌گذار نظیر ارگان‌های نظارتی و کنترل و ارزیابی عملکرد جلوه‌گر می‌شوند)، نهادهای تسهیل‌گر (نهادهایی که رسالت اصلی آن‌ها تسهیل و تسریع فرایندهای عملیاتی سیاست جنایی مشارکتی و ترکیبی است مثل انجمن‌ها و تشکل‌های مردمی و سمن‌ها) در ارتباط و تعامل کامل و منسجم با یکدیگر قرار می‌گیرند. در نهایت، یک تشریک مساعی کامل میان همه نهادهای مجری در این الگو یعنی نهادهایی که در نهایت، خط‌مشی‌ها و راهبردهای تعیینی را بنابر وظایف محوله و سطوح معین مداخله، به اجرا می‌گذارند، شکل می‌گیرد. در این الگوی ترکیبی (تلفیقی)، نهادهای مجری می‌توانند در بردارنده نهادهای مراجع مختلف هم در سطح دولتی و هم

در سطح غیردولتی باشند. این نهادها در نهایت در یک محیط عملیاتی (اجرایی) با یکدیگر تلاقی کرده و برای پیشبرد اهداف، تلاش می‌کنند.

یک خاصیت اصلی این الگو، مسئله‌مدار بودن آن است. در واقع، سیر حرکت و اقدام در این الگو، از تعریف و شناخت مسئله آغاز می‌شود. مفروض حاکم بر الگوی پیشنهادی، این است که مسئله اصلی و عمده، پیشگیری از وقوع و تکرار بزهکاری‌ها و انحرافات اجتماعی است و از سوی دیگر، تا وقتی مسئله، دقیق و عمیق درک و ابعاد و جوانبش شناخته نشود، نمی‌توان اقدام و تدبیر درستی برای کنترل و نظارت آن داشت. مرحله بعد، هدف‌گذاری است. در این مرحله، بر اساس شناختی که از مسئله حاصل شده، هدف‌گذاری خواهد شد. طبعاً این هدف‌گذاری می‌تواند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و یا اساساً تلفیقی از این سه باشد. در گام سوم، بر مبنای اهدافی که تعیین شده و افق آینده را ترسیم می‌کنند، برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی، در حقیقت، شالوده فرایندهای اجرایی و عملیاتی در مراحل بعد را شکل می‌دهد. این برنامه‌ریزی، با رویکردی هدفمند و منسجم، سعی می‌کند با تلفیق و ترکیب همه نهادها و ظرفیت‌های موجود یا قابل تعریف، اهداف تعیین‌شده را مبنای قرار داده و ساختار کلی و جزئی فرایندها و روندهای اجرایی را ترسیم نماید. در مرحله بعد، با مرحله اجرای برنامه‌ها روبرو هستیم. در این مرحله، تمام آنچه در مرحله قبل، بر مبنای اهداف و رویکردهای مورد نظر ترسیم شده، عملاً به اجرا درمی‌آیند. در پایان، با مرحله ارزشیابی روبه‌رو هستیم. شناسایی چنین مرحله‌ای در این الگو، بر مبنای یک اصل و قاعده مدیریتی است و آن اینکه هر برنامه اجرایی در عمل می‌تواند با کاستی‌ها و نقص‌هایی همراه باشد که شناخت آن‌ها می‌تواند زمینه را برای ارزیابی و آسیب‌شناسی برنامه‌ها و فرایندهای اجرایی فراهم سازد. در مرحله ارزشیابی، یک آسیب‌شناسی جدی و هدفمند از همه آنچه در مرحله قبل به اجرا درآمده صورت خواهد گرفت تا بتوان نقاط منفی را برطرف کرد و نقاط مثبت را تقویت نمود. این آسیب‌شناسی، زمینه تدوین و اجرای برنامه‌ای بهتر، مؤثرتر و کارآمدتر را فراهم خواهد ساخت. مجموعه مراحل که به آن‌ها اشاره شد، یک محیط عملیاتی (اجرایی) را شکل می‌دهند که در این محیط، تمام عوامل و نهادها و ظرفیت‌ها برای اجرای سیاست‌جنایی ترکیبی - مشارکتی، در ارتباط و تعامل کامل با یکدیگر قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، باید تأکید کرد که ترکیب نهادها و ظرفیت‌ها در این محیط عملیاتی (اجرایی)، با بخش‌های مختلف سیاست‌جنایی مشارکتی یعنی تدابیر پیشگیرانه (مربوط به پیشگیری از وقوع جرم و تکرار جرم)، تدابیر حمایتی (ناظر بر حسب مورد، حمایت از بزه‌دیدگان با هدف ترمیم و جبران آسیب‌ها و خسارات ناشی از جرم) یا بزهکاران با هدف اصلاح و درمان و بازپروری و عدم تکرار جرم)،

نظارت، ارزیابی و کنترل (مربوط به پایش دائمی و هدفمند و منسجم بازدهی‌های سیستم و سنجش عملکردهای بخش‌های مختلف آن) و نیز پشتیبانی (شامل پشتیبانی فنی، لجستیکی، مادی، انسانی و...) معنا و تجلی یافته و در واقع، به دیگر سخن، بخش‌ها و عناصر فعال و مداخله‌گر در سیاست جنایی مشارکتی، در پیوند و تعامل کامل و عملیاتی با بخش‌ها و عناصر فعال و مداخله‌گر در سیاست جنایی ترکیبی (یعنی همان محیط عملیاتی و اجرایی که به تشریح آن پرداخته شد) قرار می‌گیرند.

۳-۶. چگونگی کار بست الگوی ایرانی سیاست جنایی ترکیبی

یک سؤال مهم که در ابتدا باید به آن پاسخ داد، این است که اساساً چه ماهیتی برای نظام سیاست جنایی ایران می‌توان در نظر گرفت؟ در پاسخ می‌توان گفت به نظر می‌رسد نظام سیاست جنایی ایران را به دلیل تأثیر مستقیم از آموزه‌ها و تعالیم دینی و قرآنی و اسلامی، می‌توان مدل نوینی تحت عنوان «مدل مردم‌سالار دینی» معرفی نمود. این مدل نوپدید، حاصل همبستگی میان آموزه‌های برآمده از وحی از یک سو و خرد جمعی حاکمان از سوی دیگر است. این مدل، نه کاملاً مبتنی بر دموکراسی عرفی بلکه مبتنی بر مردم‌سالاری و حیانی و شرعی است که در آن، «عقلانیت (خرد جمعی)»، «و حیانی (تعالیم فقهی)» تکیه زده و بشر را به سوی سرمنزل رستگاری رهنمون می‌سازد. سیاست جنایی مردم‌سالار دینی، با اتکا بر این دو منبع، راه خود را می‌جوید و کنش‌ها و واکنش‌های مبتنی بر این مدل، از یک سو، ریشه در قواعد آسمانی و الهی دارد و از سوی دیگر، مبتنی بر مقبولیت عامه است (میرخلیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۰؛ کلانتری، ۱۳۹۰: ۴۴).

به دلیل ابتنا و اتکای این نوع سیاست جنایی بر رویه‌های خردورزانه جمعی، می‌توان مدعی شد که سیاست جنایی مردم‌سالار دینی، همزمان از کنش‌ها و واکنش‌های دولتی و کنش‌ها و واکنش‌های جامعه‌ی برای مهار بزهکاری‌ها و انحرافات بهره می‌جوید و در غایت، هدف عالیه راهبری بشر به سوی تکامل و رستگاری را پی می‌گیرد. عناصر سازنده این مدل را می‌توان در ارتباط تنگاتنگ، هم با سیاست جنایی مشارکتی و هم با سیاست جنایی ترکیبی دید؛ به این ترتیب که از یک سو، رویه‌های عمومی و مبتنی بر تشریح مساعی، دارای منزلتی آشکار بوده و بدین ترتیب، قواعد این نوع نظام سیاست جنایی، نه در خلأ و به صورت انتزاعی بلکه به صورت واقعی و در زندگی روزمره شهروندان به اجرا درمی‌آیند و اجرای الگوها و فرایندها جز با مراجعه به نهادهای جامعه‌ی امکان‌پذیر نخواهد بود (سیاست جنایی مشارکتی) و از سوی دیگر، به منظور پیگیری این آرمان غایی، استفاده حداکثری از همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها مد نظر قرار می‌گیرد و پاسخ‌های حکومتی به جرم و بزهکاری، نه تنها پاسخ منحصر به پدیده مجرمانه نیست بلکه صرفاً بخشی از پاسخ‌ها را سامان می‌بخشد و در کنار پاسخ دولتی و رسمی، پاسخ‌های برآمده از دیگر نهادها و ظرفیت‌ها که الزاماً در ساختار دولت

نمی‌گنجد ولی می‌تواند واجد آثار و کارکردهای پیشگیرانه از جرم و تکرار جرم باشند، مورد بهره‌برداری خواهند بود (سیاست جنایی ترکیبی) (دارابی، ۱۳۹۷: ۳۳-۴۹؛ دارابی، ۲/۱۳۹۷: ۵۵-۷۳؛ نجفی‌توانا و دارابی، ۱۳۹۵: ۱۸۷-۲۰۷). بنابراین، به هیچ وجه، گزارف نیست اگر ادعا شود که در مدل سیاست جنایی مردم‌سالار دینی، دو مؤلفه «مشارکتی شدن» و «ترکیبی شدن» رویه‌ها و تدابیر، هم‌دوش و همپای یکدیگر، قابل شناسایی و اجرا هستند.

نکته دیگر آنکه، با ملاحظه و مذاقه در وضعیت فعلی جامعه ایرانی، می‌توان مدعی شد سیاست جنایی ترکیبی در چنین جامعه‌ای، از برآیند تشریک مساعی و همکاری و تعامل هفت نهاد اصلی شامل دولت، خانواده اصلی یا جایگزین (در فرضی که فرد، خانواده اصلی خود را به هر دلیل از دست می‌دهد و به حکم مراجع ذیصلاح قضایی، حضانت و سرپرستی او بر عهده خانواده جایگزین قرار می‌گیرد)، تشکل‌ها، انجمن‌ها و سَمَن‌ها، رسانه‌ها (اعم از رسانه‌های دولتی و مستقل)، نهادهای فرهنگی، نهادهای مذهبی و نهادهای آموزشی، تحقق می‌یابد. برآیند همه اقدامات و تدابیر در این الگو، امنیت و عدالت است که دغدغه و آرمان اصلی بشریت در طول سالیان مدید بوده و جامعه ایرانی امروز، قطعاً شایسته برخورداری و بهره‌مندی از آن است.

بر این اساس، سیاست جنایی مشارکتی و سیاست جنایی ترکیبی را نمی‌توان به سان دو جزیره دورافتاده و جدا از هم تصور کرد بلکه برعکس، آن‌ها را باید در حکم دو استان همجوار در یک کشور دید که به رغم استقلال ماهوی و شخصیتی، در ارتباط و تعامل کامل و همه‌سویه با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر هم اثر می‌گذارند؛ توفیق یکی در گروهی کامیابی دیگری است و شکست یکی، موجبات ناکامی دیگری را نیز فراهم می‌آورد. با این نگرش، می‌توان به اجرا و پیشبرد اهداف یک نظام سیاست جنایی کارآمد در کشور امید داشت و گرنه هیچ یک از این دو، بدون وجود دیگری، نه تنها قابل تصور نیستند بلکه قابل تحقق نیز نخواهند بود.^۱

۱. باید اضافه کرد که به دلیل توجه خاصی که سیاست جنایی ترکیبی بر تلفیق و تشریک مساعی نهادهای مختلف فعال در جامعه برای پیشگیری از جرم و بزهکاری دارد، دارای ابعاد و وجوه ارتباط ویژه و قابل توجه با سیاست جنایی مشارکتی است. این مدل، در نهایت، یک «همبستگی جامعه‌ای» (Community solidarity) را شکل داده و هم‌پا و هم‌دوش دولت، زمینه‌ساز نقش‌آفرینی تمام ظرفیت‌های مؤثر و کارآمد در کنترل جرائم و تثبیت امنیت پایدار و بایسته برای آحاد جامعه فراهم می‌آورد. این الگوی برتر، رفته‌رفته به مثابه مهم‌ترین پارادایم پیشنهادی نظریه‌پردازان سیاست جنایی ترکیبی، سعی بر این دارد تا در فرایندی توسعه‌محور، کنش‌ها و واکنش‌ها در برابر بزهکاری و انحرافات را در نظام سیاست جنایی، سامان دهد و به اهداف نهایی رهنمون شود.

نتیجه

سیاست جنایی ترکیبی، استفاده تلفیقی از انواع تدابیر ماهوی و شکلی داخلی و بین‌المللی (فراملی) در برابر جرم و تخلف را به ذهن متبادر می‌کند. اگرچه جهت‌گیری کلی سیاست جنایی موضوعه یعنی سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی بر اساس رویکرد فلسفی - سیاسی دولت یعنی حاکمیت مستقر نسبت به آزادی، برابری و قدرت و نیز به انحراف و جرم و مجازات تعریف و مشخص می‌شود اما در این میان، اجرای سیاست جنایی در عمل، با قبض و بسط‌هایی همراه است که شرایط پویایی در مدل‌های سیاست جنایی را رقم می‌زند.

در واقع، هم‌افزایی دولت و جامعه مدنی در تأمین امنیت جامعه، پیشگیری و عقب‌راندن موج بزهکاری، با درکی مشترک و معرفت‌شناسانه از پدیده‌های بزهکارانه همراه است. سیاست جنایی ترکیبی، شامل انواع جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری در حوزه‌های مورد نظر و نیز بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های کنشی - واکنشی، ظرفیت‌های دولتی - جامعه‌ای و ظرفیت‌های ملی - بین‌المللی در قبال جرائم و تخلفات مربوطه، با هدف ارتقای هر چه بیشتر کارآمدی سیاست جنایی در تأمین امنیت در قلمرو مورد نظر است.

سیاست جنایی ترکیبی، راهبردی نوین در عرصه طرح‌ریزی و اجرای مدل‌های معین سیاست جنایی با اشکال مختلف کنترل پدیده مجرمانه است که متضمن تنوع و تکثر بزه‌انگاری‌ها، مجازات‌گذاری‌ها و دادرسی‌هاست؛ الگویی که سعی می‌کند از قابلیت عینیت‌بخشی به همه ظرفیت‌ها و استعدادهاى مقابله با جرم و تخلف، استفاده حداکثری داشته باشد. ماهیت و کیفیت پاسخ‌دهی به معضل جرم در سیاست جنایی ترکیبی، بر سامان‌دهی و گسترش شبکه‌های غیرکیفری و تمرکز بر پاسخ‌های اداری - انتظامی و نه لزوماً کیفری به پدیده مجرمانه و مبتنی بر تعامل دولت و جامعه مدنی در همه ابعاد و جلوه‌های آن است. تأکید بر کاربست ظرفیت‌ها و تدابیر اداری و غیرکیفری در سیاست جنایی ترکیبی، البته به معنای نفی اقدامات و تدابیر کیفری نیست بلکه از تدابیر کیفری در جای خود نیز می‌توان بهره برد.

در رویکرد سیاست جنایی ترکیبی، سامانه پاسخ‌دهی به پدیده‌های مجرمانه یا منحرفانه، مشتمل بر الگوها و تدابیر پیشگیرانه و نیز سرکوبگرانه‌ای است که منبعت از برآیند (یا برهم‌کنش) ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر کشور است. در حقیقت، برای پیشبرد و تحقق سیاست جنایی ترکیبی و به منظور پیشگیری مؤثر و کارآمد از جرم، ما به همکاری همه نهادهای رسمی و جامعه‌ای نیاز داریم. بر این پایه، در امر پاسخ‌دهی به جرم، دولت و جامعه مدنی، باید تقسیم کار کنند و جامعه مدنی، الزاماً باید با دولت مشارکت داشته باشد. (سیاست جنایی مشارکتی)

به نظر می‌رسد گستره و قلمرو سیاست جنایی ترکیبی، موسع‌تر از سیاست جنایی مشارکتی است و بدین ترتیب، رابطه آن‌ها عموم و خصوص مطلق است به این ترتیب که اگرچه در سیاست جنایی مشارکتی، حضور جامعه مدنی در فرایند پاسخ‌دهی به جرم و تخلف مطرح و مبنا است، در سیاست جنایی ترکیبی، علاوه بر مشارکت جامعه مدنی، دیگر ظرفیت‌ها و نهادها هم در مداخلات دولتی - جامعی برای پیشگیری از جرم و تخلف و نیز مقابله با پدیده‌های بزهکارانه، مداخله دارند.

در توضیح و تبیین سیاست جنایی ترکیبی، از افتراقی‌سازی سیاست جنایی می‌توان سخن گفت. تمرکز بر جنبه‌های گوناگون یک پدیده مجرمانه، لاجرم، مداخله متنوع و متکثر برای پاسخ‌دهی به این پدیده را ضروری و غیرقابل اجتناب می‌سازد. همچنین در راستای اعمال واقعی سیاست جنایی ترکیبی، یک تحول انطباقی ضروری است به این معنا که بسته به ماهیت و آثار و ابعاد پدیده مجرمانه و منحرفانه، نوع، سطح، میزان و کیفیت پاسخگویی و نیز مرجع و نهاد پاسخگو می‌تواند متغیر باشد و بدین ترتیب، نهادهای کیفری و سازوکارهای سرکوبی و سزاگرا، هرگز الگوی منحصر پاسخ‌دهی به جرم و تخلف نیستند. از این رو، مداخلات انتظامی - اداری، ارزشی برابر و هم‌سنگ با مداخلات کیفری می‌بایند و دارای همان اثر بازدارندگی هستند. ویژگی دیگر سیاست جنایی ترکیبی، هم‌افزایی متقارن است؛ به این مفهوم که وقتی همه نهادها و تدابیر و ظرفیت‌ها برای مقابله با جرم و تخلف به کار رفت، توان هر بخش و هر تدبیر، به کمک بخش دیگر خواهد رفت و در نهایت، در یک سیستم تلفیقی، هدف نهایی مقابله با جرم، عملیاتی می‌شود. بر این مبنا، سیاست جنایی ترکیبی، به معنای انتقال وظایف و تکالیف دستگاه قضایی به دیگر قوا نیست بلکه این نوع سیاست جنایی، رویکردی در راستای تأمین و تضمین امنیت پایدار و همه‌جانبه در جامعه بر اساس ترکیب هوشمندانه و هدفمند راهبردهای پیشگیرانه، ضمانت‌اجراهای اداری - انتظامی، تدابیر کیفری و آیین‌های متنوع و متکثر پاسخ‌دهی به جرم و تخلف است تا در نهایت، یک سیاست جنایی کارآمد، شکل گرفته و اجرا گردد. پس بر اساس شناختی که از سیاست جنایی ترکیبی حاصل شد، می‌توان سیاست جنایی کارآمد را تجهیز سیاست جنایی به ابزارهای مختلف اجتماعی و گسترش و توسعه فرایند پیشگیری و مقابله با جرم و تخلف به تمام بخش‌ها و با کاربست همه تدابیر؛ حتی آن‌ها که الزاماً کیفری و سزاگرا نیستند و از حیث ماهوی، فقط اداری و انتظامی هستند، دانست.

بر این اساس، سیاست جنایی ترکیبی، نگاهی نو و بالنده به الگوسازی کارآمد و مؤثر به منظور کنترل جرم و بزهکاری است. تلفیق پنج مؤلفه بنیادین یعنی تعامل‌گرایی، توان ظرفیت‌سازی، کیفی‌گرایی، تکثرطلبی و مشارکت‌محوری، موجب می‌شود که سیاست جنایی ترکیبی بتواند به عنوان یک الگوی جدید و به‌مثابه شالوده سیاست‌گذاری جنایی در کشورهای جهان در راستای مقابله با

بزهکاری‌ها معرفی شود. تجربه ترکیبی کردن روش‌ها و سازوکارهای پیشگیری از جرم و مقابله با بزهکاری در دو کشور فرانسه و انگلستان، آشکارا دلالت بر توفیق این کشورها در مبارزه سازمان‌یافته‌تر و کارآمدتر با جرم دارد. به عقیده نگارندگان حاضر، الگوها و فرایندهای تجربه‌شده در این دو کشور در راستای اجرای سیاست جنایی ترکیبی، می‌تواند پس از بومی‌سازی و سازگارسازی با فرهنگ داخلی، در ایران نیز به اجرا درآیند. مدعای نوشتار پیش رو، آن است که با اجرای الگوی ایرانی سیاست جنایی ترکیبی که در نوشتار حاضر، پیرامون آن، بحث مفصل ارائه شد، می‌توان به کنترل جرائم و کاهش بزهکاری‌ها امیدوارتر بود و سازوکارهای موثر در پیشگیری از جرم را به نحو کارآمدتری به اجرا گذاشت. بر این پایه، نگارندگان حاضر، فرضیه اصلی این تحقیق را فرضیه‌ای صحیح می‌دانند و معتقدند راستی‌آزمایی این فرضیه، دلالت بر صحت آن دارد.

به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی در نظام سیاست جنایی ایران، ظرفیت‌های قابل‌توجهی برای عملیاتی‌سازی الگوی سیاست جنایی ترکیبی، قابل مشاهده است. در نوشتار حاضر، سند تحول قضایی مصوب ۱۳۹۹، سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ مصوب ۱۳۸۲، دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه ابلاغی ۱۳۹۸ و قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، به عنوان مهم‌ترین زمینه‌های اجرای سیاست جنایی ترکیبی در ایران، مورد اشاره و بحث قرار گرفتند. این اسناد و قوانین، به تصریح، بر لزوم مشارکت جمعی و همه‌جانبه و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها برای پیشبرد هدف متعالی پیشگیری از وقوع و تکرار جرم، دلالت دارند. البته قطعاً عملکرد دستگاه‌های مسئول در سال‌های اخیر با وجود تصویب اسناد و قوانین مورد اشاره، قابل نقد است و چه‌بسا بتوان ادعا کرد که هنوز، نتیجه و ثمره واقعی مورد انتظار از اجرای راهبردهای مبتنی بر سیاست جنایی ترکیبی در ایران، حاصل نشده است ولی این امر، هرگز نمی‌تواند دلیلی برای اقدامات انفعالی و کم‌کاری‌های بعدی باشد.

حقیقت این است که سیاست جنایی ترکیبی، از آن رو که خود را محدود به هیچ عرصه یا سازوکار و روش خاصی نمی‌کند و سعی دارد از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی و فردی و جامعه‌ای برای هدف پیشگیری از جرم و انتظام بخشی هر چه بیشتر به جامعه انسانی بهره‌برد، الگوی بسیار مناسبی برای جامعه فعلی ایران محسوب می‌شود. بر این مبنای، به نظر می‌رسد باید گفت رویکرد و افق دید مسئولان امر در تمام رده‌ها و سطوح باید پیگیری سیاست جنایی ترکیبی باشد و قوانین و اسنادی که پیش از این به عنوان ظرفیت‌ها مورد بحث قرار گرفتند، به نظر، مهم‌ترین بسترهای گفتمان‌سازی پیرامون سیاست جنایی ترکیبی و عینیت‌بخشی به الگوهای مبتنی بر آن در جامعه ایران امروز هستند. ممکن است ادعا شود که با وجود اصل تفکیک قوا که دلالت بر استقلال ساختاری و نیز

عملکردی قوای سه‌گانه در نظام سیاسی و حقوقی کشور دارد، چگونه می‌توان سیاست جنایی ترکیبی را اجرایی ساخت؟ پاسخ را می‌توان در ذات سیاست جنایی ترکیبی جست با این توضیح که به نظر نمی‌رسد الگوی سیاست جنایی ترکیبی، دلالت بر «مداخله‌گری در صلاحیت‌های استقلالی» قوای سه‌گانه داشته باشد بلکه آنچه در این الگو مطرح است، هم‌افزایی و تشریک مساعی این قوا برای پیگیری هدف پیشگیری از وقوع و تکرار بزهکاری‌هاست. در واقع، اجرای الگوی سیاست جنایی ترکیبی، هرگز نمی‌تواند و نباید بستری برای دخالت قوای سه‌گانه و نهادهای زیرمجموعه آن‌ها در حیطه صلاحیت‌های قانونی آن‌ها باشد بلکه هدف، ایجاد یک وفاق ملی برای تحقق یک رسالت ملی یعنی پیشگیری از بزهکاری‌ها و تقویت بنیه‌های جامعه از حیث اخلاقی و امنیتی و فرهنگی است. بر این مبنا، پیشگیری از جرم و تقویت انتظام اجتماعی، جز با همیاری همه دستگاه‌ها و نهادها و جز با مساعدت و مداخله‌گری طبقات و اقشار مختلف جامعه که در واقع، سرمایه اجتماعی در اختیار حاکمیت محسوب می‌شوند، ممکن نیست. سیاست جنایی ترکیبی نیز دقیقاً بر همین مبنا استوار است و اعتقاد به اجرای آن، هرگز منافاتی با اصولی از جمله تفکیک قوا ندارد.

جلوه دیگری از توجه قانون‌گذاران کشور به لزوم بهره‌مندی از توان و تخصص بدنه مدنی جامعه در کنار بدنه دولتی، تصویب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ است که برای نخستین بار، جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد را به عنوان «نهادهای یاریگر» دستگاه قضا به رسمیت شناخت و آن‌ها را دارای حق‌های مشخصی در ارتباط با برخی روندهای دادرسی کیفری دانست؛ هرچند نقدهایی به رویکرد قانون‌گذار در این باره به‌ویژه از حیث احصا و شمار سازمان‌های مردم‌نهاد صالح به همکاری با مقامات قضایی و نیز کیفیت مداخله‌گری آن‌ها وارد است.

طبیعی است انحصارطلبی حاکمیت برای پیشبرد سیاست جنایی، نه تنها ما را با یک سیاست جنایی کاملاً دولتی و حاکمیتی روبه‌رو می‌سازد و عملاً مردم و نهادهای جامعه‌ی از این معادله کنار گذاشته می‌شوند، بلکه به سبب فقدان جایگاه مشخص برای نهادهای مردم‌بنیاد و دیگر ظرفیت‌های جامعه‌ی برای پیشگیری از جرم، چه بسا در عمل، هیچ حمایت بایسته و شایسته‌ای از سوی شهروندان نسبت به برنامه‌ها و تدابیر دولتی پیشگیری از جرم، صورت نگیرد. سیاست جنایی ترکیبی، می‌کوشد سیاست‌گذاری جنایی حاکمیت‌محور را تعدیل نموده و جایگاه و شرح وظایف و صلاحیت‌های مشخصی برای طبقه شهروندان و نهادهای جامعه‌ی در تدوین و اجرای برنامه‌های ناظر بر پیشگیری از جرم، در نظر گیرد.

بدین منظور، به نظر می‌رسد نهادهای سیاست‌ساز در قلمرو سیاست‌گذاری جنایی در جمهوری اسلامی ایران، ابتدا باید خود را مکلف به پرهیز از آسیب‌زایی بیشتر برای گروه‌های آسیب‌پذیر و در

گام بعد، خود را متعهد به اتخاذ سیاست‌های توانمندکننده و حمایتی نمایند. ماهیت و محتوای سیاست جنایی ایران برای گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌تواند جدا از حکم کلی فوق باشد. همچنان که نهادهای اجرایی، قضایی و تقنینی نیز نمی‌توانند خود را از توجه به الزامات تقنینی و غیر تقنینی سیاست‌گذاری جنایی در سطح کلان و خرد معاف بپندارند. این رویکرد، نه تنها با الزامات تقنینی بالادستی در نظام حقوقی - سیاسی ایران هماهنگ است، بلکه با آموزه‌های اخلاقی و دینی نیز کاملاً هم‌سوست و راهبردی در راستای تکامل و تحول مطلوب جامعه ایرانی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، تشکیل «شورای عالی سیاست جنایی»، به مثابه یک نهاد فراقوه‌ای و با اختیارات و صلاحیت‌های کامل و مشخص در زمینه تعیین، تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای سازوکارها و راهکارهای مشخص، عملی، منجسم، هدفمند و کارکردگرا و مبتنی بر داده‌های علمی و یافته‌های میدانی و در قامت یک مرجع جامع و واحد در زمینه تدوین راهبردها و سازوکارهای سیاست جنایی در کشور ما، می‌تواند زمینه و بستر لازم برای اجرای راهبرد سیاست جنایی مشارکتی - ترکیبی در ایران را فراهم آورد. این شورا، با بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی و فراملی ناظر بر پیشگیری از جرم و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و استعدادها موجود و استفاده حداکثری از زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و تمدنی موجود در کشور، در نهایت، یک سیاست جنایی کاربردی کارآمد را به اجرا گذارد.

منابع

فارسی

- آزمایش، علی و همکاران. (۱۳۹۶). تأثیر ایدنولوژی‌ها بر قبض و بسط قلمرو حقوق کیفری، مجله تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۷.
- آنسل، مارک. (۱۳۸۸). دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر میزان.
- احسان‌پور، سیدرضا و قدمی عزیزآباد، مصیب. (۱۴۰۳). مولفه‌های سیاست جنایی مطلوب در رابطه با پیشگیری از بزه‌دیدی جنسی کودکان در فضای مجازی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۵.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۷). پیشگیری چندنهادی از جرائم شهری. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۹.
- ایروانیان، امیر. (۱۳۹۲). سیاست جنایی؛ پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها. دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- بابایی، محمدعلی. (۱۳۹۸). فراز و فرود رویکرد اصلاح و درمان و پیشگیری از جرم در قوانین پنج ساله توسعه. دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- پاک‌نیت، مصطفی. (۱۳۹۸). افتراقی شدن سیاست کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: جلوه‌ها و چالش‌ها، دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- پیکا، ژرژ. (۱۳۸۹). سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). چشم‌انداز سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری مشارکتی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه شادوران استاد دکتر رضا نوربها).
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۴). سیاست جنایی مشارکتی. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۸۸). گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لوایح قضایی. مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۱.
- حسنی، محمد. (۱۳۹۷). سیاست جنایی افتراقی در سنت علوی با تأکید بر عهدنامه مالک. مجله حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸.
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۱). پاسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی. مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۹، شماره ۲۴.
- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۷). پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۷). تحولات راهبرد پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۳، شماره ۸۳.
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۱). راهبرد ترکیبی در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی. پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲۵.
- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۹). سیاست جنایی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری زیست‌محیطی. مجله آموزه‌های حقوق

- کیفری، دوره ۱۷، شماره ۱۹.
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۴). مدل سیاست جنایی ترکیبی (مردم‌گرا- اقتدارگرا)، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - دلماس مارتی، می‌ری. (۱۳۹۱). سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نوزدهم، تهران: نشر میزان.
 - دلماس مارتی، می‌ری. (۱۳۹۰). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
 - رجیبی سلمان، جواد. (۱۳۹۸). بزه‌دیده‌مداری و عوام‌گرا شدن سیاست کیفری. دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - رستمی، ولی. (۱۳۸۴). سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
 - رستمی، هادی. (۱۳۹۸). ساختار نظریه مجازات و رابطه آن با نظریه سیاسی. دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - سلحشور، افشین. (۱۳۹۴). مبانی و مصادیق عوام‌گرایی در قوانین کیفری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کردستان.
 - شاملو، باقر. (۱۳۹۵). تحول در اصول‌گرایی علم حقوق در پرتو پست‌مدرنیسم. دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
 - شیعه‌علی، علی و همکاران. (۱۳۹۴). جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران. مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۴ و ۵.
 - طرهانی، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۸). رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در قبال مسأله بی‌حجابی و بدحجابی. مجله تعالی حقوق، شماره ۶.
 - عبداللهی، سامان. (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری مشارکتی از بزه‌کاری اطفال. مجله علوم اجتماعی، سال یازدهم، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق.
 - غلامی، حسین. (۱۳۹۶). اولویت کنترل اجتماعی در جامعه آسیب‌دیده. دیپاچه در: غلامی، نبی‌الله، درک کنترل اجتماعی: انحراف، جرم و نظم اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - غلامی، حسین. (۱۳۹۹). سیاست جنایی برای جامعه آسیب‌دیده: مبانی و راهبردها. دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی، چاپ اول، تهران: نشر معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
 - فرجیها، محمد و عابدی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۵). رویکرد کثرت‌گرایی فرهنگی به عدالت کیفری. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲.
 - فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۵). پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی. دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
 - فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۲). ویژگی‌های سیاست جنایی عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی. مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۲.
 - فرجیها، محمد. (۱۳۸۸). رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارها. دیپاچه در: رویکرد

چندنهادی به پیشگیری از جرم، زیر نظر: محمد فرجیها و فیروز محمودی جانکی، چاپ اول، تهران: نشر معاونت آموزش نیروی انتظامی.

- فرخ‌رضا شفیعی، سیدمحمد و همکاران. (۱۳۹۸). رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۲.
- قورچی‌بیگی، مجید. (۱۳۸۸). پیشگیری چندنهادی از جرم؛ مفاهیم، مبانی و چالش‌ها. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران: نشر دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- کاریو، روبر. (۱۳۹۲). درآمدی بر علوم جنایی؛ رویکردی فراگیر به مطالعه پدیده مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه تفکر پست‌مدرن در نظام‌های بزرگ سیاست جنایی دنیا با تأکیدی بر سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۷.
- کلانتری، کیومرث. (۱۳۹۰). سازوکارهای سیاست جنایی کاربردی در ایران. مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه شادوران استاد دکتر رضا نوربها).
- کوشا، جعفر و رجب‌زاده، جواد. (۱۴۰۴). ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۳۰، شماره ۱۱۰.
- گسن، ریمون. (۱۳۹۲). تحولات سیاست جنایی دموکراسی‌های غربی؛ مطالعه سیاست جنایی فرانسه، ترجمه شهرام ابراهیمی، دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، حسین. (۱۳۹۸). تقدس‌زدایی از قانون به مثابه معرف جرم در پرتو انگاره‌های پست‌مدرنیسم، دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- محسنی، فرید و شاملی، مریم. (۱۴۰۳). ارزیابی سیاست جنایی ایران در پذیرش کیفر خدمات عمومی رایگان. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۶.
- مقصودی، محمد و احمدی موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۴). پیشگیری چندنهادی با رویکرد پیشگیری از جرم. مجله دانش انتظامی، شماره ۱۳.
- مهدوی‌پور، اعظم. (۱۳۹۸). مبانی افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرائم اقتصادی، دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- میرخلیلی، سیدمحمد و همکاران. (۱۴۰۰)، مبانی و جلوه‌های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره نهم، شماره ۳۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی حقوقی، دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست جنایی عوام‌گرا، دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). درباره سیاست جنایی افتراقی، دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۷). سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، سیاست جنایی در برابر

- بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). سیاست جنایی؛ از مدل‌ها تا جنبش‌ها. دیپاچه در: دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
 - نجفی ابرندآبادی، علی حسین و گلدوزیان، حسین. (۱۳۹۷). جرم‌شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی. مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲۳.
 - نجفی توانا، علی و دارابی، شهرداد. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی. دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۵.
 - نجفی توانا، علی و همکاران. (۱۳۹۲). نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چندنهادی. فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱.
 - نوبهار، رحیم و تقی‌زاده، مریم‌السادات. (۱۳۹۸). درآمدی بر ارزیابی سیاست جنایی. دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب چهارم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

انگلیسی

- Annon, Harry (2017). The role of storylines in penal policy change, *Punishment & Society*, No. 23.
- Barry, John (2014), *Crime and Community Integration*, Ashgate.
- Drake, D., Fergusson, R. and Briggs, D. (2014). Hearing new voices: Re-viewing youth justice policy through practitioners' relationships with young people?, *Youth Justice*, 14(1).
- Fielding, Jane and Nigel Fielding (2013), Integrating Information from Multiple Methods into the Analysis of Perceived Risk of Crime: The Role of Geo-Referenced Field Data and Mobile Methods, *Journal of Criminology*, No. 113.
- Hollingsworth, K. (2014). *Re-imagining Justice for Children: A new Rights-based Approach to Youth Justice*, *The Howard League for Penal Reform: Social Justice*, Human Rights and Penal Policy Working Papers.
- Little, Rose (2013). *Participation and Practice in Youth Justice*, De Montfort University, Leicester, UK.
- Manacorda, Stefano (2015). Public Policy and the Court of Justice: The "Combinatorial Logic" in the Framework of Criminal Law, *New Journal of European Criminal Law*, No. 81.
- McAra, L. and McVie, S. (2010). Youth crime and justice: Key messages from the Edinburgh Study of Youth Transitions and Crime, *Criminology and Criminal Justice*, 10 (2).
- Pereira, Ricardo M. (2015). *Environmental Criminal Liability and Enforcement in European and International Law*, Brill Publication.
- Pycroft, Aaron and Dennis Gough (2019). *Multi-Agency Working in Criminal Justice: Theory, Policy and Practice*, Bristol University Press.
- Sliedregt, Elies's van and Sergey Vasiliev (2014). *Pluralism in International Criminal Law*, Oxford University Press.
- Sliedregt, Elies's van (2018), *International Criminal Law and Legal Pluralism*, The Oxford Handbook of Global Legal Pluralism, Oxford University Press.